دائرة معارف الشيعة الامامية الاثني عشرية

و

ایران

راجع بعقاید و افکار و ادوار سیاسی وادبی و تاریخ بلاد و ممالك وآثار ادبی ومادی وشرح حال مردمان نامی علمی وسیاسی وکتابهای خطی و چاپی از آغاز تشکیل این فرله تاعصر حاضر با بهترین طرزو روش مطابق اصول علمی تألیفات امروز گفتگومینماید که درحدود چهل سال متوالی ازکتابخانهای عراق و ایران و هندوستان وغیرها بـاهزاران کنجاوی گردآوری شده است

دوجزء از شانزده جزء که تمام کتاب است اخیراً منتشر شده است

جزء اول از حروف ألف باألف ومبحث (حروف تهجی وألفبای پارسی) تا پایان حرف الف با ث وکلمه (اثنی عشریه) ـ

جزء دوم از حرف ألف با جیم وکلمه (اجابةالسؤال) تـا پایان حـرف الف با عین وکلمه (أعین) ـ

تألیف

عبد العزیز صاحب الجواهر

بقیه جزء هشتم شماره اول

این آگهی فوق با همین روش از دانشگاه تهران وریاست دانشگاهی اولی حضرت آقـای دکتر اقبال بابت چاپ این دائـرةالمعارف درپایان مجلـد اول ترجمه مثنوی (جواهر الاثار) وصفحه ٨٤٤ منتشر شده ولی ـ

چون غرض آمد هنر پوشیده شد   صد حجاب از دل بسوی دیده شد

دائرة معارف الشيعة الامامية الاثني عشرية

و

ايران

راجع بعقايد و افكار و ادوار سياسى وادبى و تاريخ بلاد و ممالك وآثار ادبى ومادى وشرح حال مردمان نامى علمى وسياسى وكتابهاى خطى و چاپى از آغاز تشكيل اين فرقه تا عصر حاضر با بهترين طرز و روش مطابق اصول علمى تأليفات امروز گفتگو مينمايد كه درحدود چهل سال متوالى ازكتابخانهاى عراق و ايران و هندوستان وغيرها باهزاران كنجاوى گردآورى شده است

دوجزء از شانزده جزء كه تمام كتاب است اخيراً منتشر شده است

جزء اول از حروف ألف باألف ومبحث (حروف تهجى وألفباى پارسى) تا پايان حرف الف با ث وكلمه (اثنى عشريه) ـ

جزء دوم از حرف ألف با جيم وكلمه (اجابة السؤال) تا پايان حرف الف با عين وكلمه (أعين) ـ

تأليف

عبد العزيز صاحب الجواهر

بقيه جزء هشتم شماره اول

اين آگهى فوق با همين روش از دانشگاه تهران وریاست دانشگاهى اولى حضرت آقاى دكتر اقبال بابت چاپ اين دائرة المعارف درپايان مجلد اول ترجمه مثنوى (جواهر الاثار) وصفحه ٨٤٤ منتشر شده ولى ـ

چون غرض آمد هنر پوشيده شد — صد حجاب از دل بسوى ديده شد

این مراتب را بخوانید

این کلیشه درشت (دائرة المعارف الشیعة الامامیه) و ملحقاتش با حروف ۱٦ ـ تا پایان جزء دوم از حرف الف با جیم و کلمه (اجابة السئوال) که در پشت صفحه نهائی ۸٤۳ از مجلد اول (جواهر الاثار) ترجمه مثنوی مولانا وریاست دانشگاهی حضرت آقای دکتر اقبال در (مرداد ماه سال ۱۳۲۲ چاپ شده گواهی کاملی است باین که دانشگاه تهران چاپ بقیه اجزاء کتاب دائرة المعارف را بعهده خود گرفته بوده بدلیل اینکه برنامه نشریات دانشگاه تهران تنهااز کتابهای دانشگاهی خود در پشت جلد کتابهای چاپیش آگهی مینماید نه کتابهای چاپی بیگانه و حقیقت هم چنین بوده ولی مانع اساسی آنست که اینجانب با نداشتن کمك مقتضی نمیتوانسته تنها به تصحیح و رسیدگی برفع نواقص این دو کتاب مهم بپردازد ـ لذا وقت خود را (بجواهر الاثار) اختصاص داده ولی وزارت فرهنك تا سال ۱۳٤٤ شش جزء دیگر از آن تا حرف (خاء) و کلمه (خلف) بچاپ رسانیده ـ

اجزاء هشتگانه این کتاب بدین قرار

(۱) و (۲) چنانکه دانشگاه تهران در پشت صفحه ۸٤۳ از مجلد اول (جواهر الاثار) آگهی نموده

(۳) اولش الاعاثه فی بدع الثلثه (٤) بختیار بن احمد (٥) التصریف احمد (٦) جائج وامام زاده عبدالله (۷) حائر حسینی (۸) ناقص اولش ـ خزینه طرب ـ که بقیه آن بتدریج چاپ می شود ـ اول این بقیه ـ خلف یا خاندان **خلف** ـ

(۲) چون از مبارزه گروه خاص مغرضان و حاسدان نسبت به چاپ مجلد اول (جواهر ـ الاثار) ترجمه مثنوی در ریاست دانشگاهی حضرت آقای دکتر اقبال آگاه بودم اگر چه اراده آهنین ایشان آنان را گریزان نمود لذا از درخواست چاپ بقیه اجزاء دائرة المعارف بسی خود ـ داری مینموده‌ولی باستناد آگهی نامبرده دانشگاه در پشت جلد اول (جواهر الاثار) و سابقه اهداء مجلدات ششگانه او بمزار مقدس مولانا و اینکه دانشگاه خود تصدیق نموده که‌اهم انتشارات اوبوده وباستناد نامه اصرارآمیز حضرت آقای دکتر اقبال بجناب

آقـای دکتر نهـاوندی رئیس دانشگاه نسبت به چاپ این بقیه و نامه پرشور وشعف جناب آقای رئیس دانشگـاه باینجـانب در تبریـك به انتشار مجلد پنجـم جواهرالاثار و تحریض برادامه تالیفات ناگزیر درخواست چاپ بقیه اجزاء این کتاب از مقـام ریاست دانشگاه نموده ودرخواست را پذیرفتند که نخست بقیه مواد خطی این کتاب از حرف (خاء ـ حرف ی) دستور چاپ دهند ـ سپس اجزاء هشتگانه چاپ شده را تجدید چاپ نمایند .

نامه حضرت آقای دکتر اقبال

جنای آقای دکترنهاوندی رئیس محترم دانشگاه با اظهار امتنان از توجهی که نسبت به آقـای عبـدالعزیـز صاحب جـواهر (جواهر کلام) وچاپ بقیه ترجمه عربی منظوم مثنوی از مجلـد پنجـم مولانا مشارالیه بعمـل آمده است ، خواهشمندم دستور فرمائید برای چاپ بقیه اثر دیگر ایشان هم بنام «دائرةالمعـارف شیعه» اقدا ممو ثری بعمل آید . بطوری که آقای جـواهر کلام اظهار میداردموضوع چاپ کتاب مذکور قبلا از طرف خود جناب عالی به شورا انتشارای احالـه شده ولی شورا برای چاپ این کتاب حق تقدم قائل نگردیده است چون قسمتی از این کتاب (در حدود ۲۰۰۰ صفحه آن) در سالهای قبل از طرف وزارت آمـوزش و پـرورش (وزارت فرهنك سابق) چـاپ و منتشر گردیده است حیف است که این کتاب ناقص بماند و بسیار بجـا خواهد بود که دستور فرمایند بقیه آن از طرف دانشگاه بچاپ برسد . بطوری که خود جنابعالی هم بخوبی میدانید ایـن شخص تمام عمر خودرا مصروف تصنیف و تالیف کتب و رسالات مفیـد نموده و اکنون که سالهای ثلث آخر عمر خود را میگذراند جا دارد (حتی المقدور در انتشار آثار او مساعدت بعمل آید)

دکتر اقبال ـ رونوشت بـرای آقای عبدالعزیز جواهر کـلام ارسال میشود .

نامـه جناب آقـای دکتر نهاوندی رئیس دانشگاه تهران آقای عبدالعزیـز صاحب الجواهر نسخه‌ای از آخریـن مجلد اثر (مهم) جنابعالـی در ترجمه مثنوی معنوی بـه زبان عربی‌زیرعنوان »جواهرالاثار« که در سلسله انتشارات و چـاپ دانشگاه طبع ونشر یافته وتوسط این موسسه برای اینجانب ارسال شده بود ، واصـل و ملاحظـه گردید ضمن عرض تبریك به آن استاد محترم در ترجمه و تدوین این اثر ارزنده ادبی که معرف زبان وفرهنك‌ایران‌خواهد بود، کامیابی های بیشتر جنابعالی را درادامه‌وانتشاراین گونه‌تالیفات ارزشمند ، صمیمانه آرزومندم .

رئیس دانشگاه تهران

ولی سرانجـام مبارزان و غرض ورزان که بتصمیم رئیس اولین دانشگاه نسبت به چـاپ مجلد اول (جواهـرالاثار) گریزان بودند بر بی تصمیمـی رئیس دوم دانشگاه چیره شدند و پیروزی یافتند ـ درین هنگام یادم آمد ابیات مولانا در دفتر چهارم مثنوی و داستان شاعر و صله شاهی از وزیر اولین کـه حسن نام داشت و در کرم مانند حاتم بود و وزیر دومین که نیز نامش حسن آمد ودر بخل بمانند (مادر) بود :

(گفت یارب نـام آن و نـام ایـن)
(چون یکی بـاشد دریغ ای رب دین)
(آن حسن نامـی که از یـك کلك او)
(صد وزیر و صاحب آمـد جودجـو)
(و آن حسن کردیش زشت ایـن حسن)
(می تـوان بافید ای جـان صد رسن)

(۲) بقیه جزء هشتم این دایره بتدریج با همین حروف یا بر روش دیگر منتشر میشود .

(۳) پایان هرنشریه بمواد تحقیقی سودمند یا اضافی که در این دایره گردآوری شده و در مواد مناسب آن در لغت نامـه ده‌خدا بغفلت تـدوین نشده ـ باجمال اشاره میشود .



بسم الله الرحمن الرحيم

دائرة معارف الشيعة الامامية الاثنی عشریة

ایران

خلف - یا خاندان خلف - پیشوای آن شیخ خلف بن عسکر حائری منوفی در حدود سال ۱۲۵۰ مدفون در آرامگاه خود در حائر نزدیک (الباب السلطانی) فقیهی است محقق شاگرد سید علی مؤلف شرح کبیر - از تألیفاتش شرحی برشرایع - رساله عملی - بازماندگانش (۱) حسین بن خلف سبط شیخ محمد حسن نجفی صاحب الجواهر (۲) صادق بن حسین بن خلف (۳) محمد بن حسین بن خلف از فضلای نامی - خاندان خلف تا کنون در کربلا معروف میباشد .

خلف بن حماد سندی له کتاب - معالم ابن شهر آشوب .

- **خلف** بن عیسی له کتاب معالم ابن شهر آشوب

کتاب الخلفاء محمد بن اسحاق بن سیار مطلبی از اصحاب امام محمد باقر و امام صادق ع

الخلفاء عند الجمهور - جعفر بن محمد طهرانی عسکری مؤلف (الاربعون حدیثا)

خلق الاعمال - فارسی خواجه نصیر الدین طوسی (۶۷۲)

خلق الاعمال - میر محمد باقر داماد (۱۰۴۰) با مسار الشیعه چاپ شده

خلق الاعمال - علامه حلی حسن بن یوسف (۷۲۶)

خلق الاعمال - محمدعلی معرف به شیخ علی حزین (۱۱۸۱) نجوم السماء

خلق الاعمال - صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی (۱۰۵۰) برهامش کتاب الفواید چاپ شده در سال (۱۳۰۵)

خلق الافعال - جلال الدین محمد ابن اسعد دوانی (۹۰۷) چاپ شده

خلق الافعال - مفصل نیز از دوانی اولش اما بعد حمدالله فتاح القلوب نسخه در کتابخانه مرحوم شیخ هادی کاشف الغطاء در نجف

خلق الانسان - احمد بن مهدوی نحوی (۴۴۰) مبسوط مرتب برصد مجلس در دو مجلد مجلد دوم که از موقوفات مدرسه فاضلیه در مشهد رضوی است اولش الحمد المدرك الغریب بخط محمد بن مکی تاریخ فراغ (۱۰۵۲)

خلق الانسان - احمد بن فارس بن زکریا مؤلف المقاییس و مجمل اللغة و غیرها (بغیه سیوطی)

خلق بهشت و دوزخ - عقیده فرقه امامیه در آفریدن بهشت و دوزخ همانست که شیخ مفید در مقالات خطی خود می نگارد.

(اقول ان الجنة و النار مخلوقتان فی هذا الوقت و بذالک جائت الاخبار و علیه اجماع الشیعة و قد خالف فی هذالقول الغلاة - و الخوارج و خالف جمع من الزیدیة وزعموا ان ماذکر من الاثار من قسم الجائزدون الواجب قال ابوهاشم الجبائی ان ذلک محال لانه لابد من فناء العالم قبل نشره و قال الاخرون خلقها فی هذا لوقت لامعنی له لان الله تعالی لایعبث فی فعله

خلق حواء - چنانچه در منقولات رسالهٔ مبسوط از عبدالقادر گیلانی افندی در ریاض العلماء گفته (رأیتها بخطه عند بعض احفاده)

خلق الخلق - ابوعلی عمران برقی جنایی (از برق رودقم) (نجاشی)

خلق السموات - ابراهیم بن سلیمان بن عبدالله خالد کوفی فی خزاز (نجاشی)

خلق الکافر - و حکمه و مصالحه مهذب الدین احمد بن عبدرضا ساکن هندوستان اولش احمدك یا من اظهر فی الاشیاء قدرة - تاریخ فراغ (۱۰۷۷ ضمن مجموعهٔ از تألیفاتش در کتابخانه مرحوم شیخ هادی کاشف الغطاء در نجف

خلق الکافر - و ماینا سبه محمد بن حسین حر عاملی مؤلف وسایل الشیعهٔ (۱۱۰٤) اولش الحمدلله المتفضل با لخلق و الانشاء تاریخ فراغ (۱۰۷٦) مرتب بر ۱۲ فصل وخاتمه در کتابخانه خونسازی در نجف نسخه دیگری از آن بخط صالح بن منصور عاملی معروف بکوثری تاریخ فراغ از کتاب (۱۱۵٦) ولی این کتاب را بخلق الطینه نامیده

خلقی تبریزی - بسیار خوش طینت و نیک سیرت وده و در مجالس النفائس مذکور که وی از شیخ زادگان الجق است خلقی مرغوب دارد بسبب تحصیل از مولد بهرات رفته و با بدیع الزمان میرزا مصاحب گردیده و این رباعی ازوست.

« صد شکر که وصل یار واقع شد باز
سوزدل و آب دیده نافع شده باز »
« خورشید بدیع وصل او غارب بود
طالع مددی نمود طالع شد باز »
(عرفات العاشقین)

در مجالس النفائس نسخه نگارنده خلف تبریزی نوشته شده است نه خلقی صاحب لطائف الخیال ولی در فهرست خود خلقی تبریزی نوشته و ابیاتی از وی نقل کرده از آنهاست

« بیگانه است از همه کس آشنای تو
ای سنگدل بگو چکند مبتلای تو»

الخلل - بحثی است از فروع کتاب الصلوة در فقه و بسیاری از فقها در آن رسالهٔ جداگانه نگاشتند و در این کتاب از ذکر آنها خودداری میشود)

خلو تخانه - فارسی در رد صوفیه سید عبدالفتح بن محمد مرعشی اصفهانی مؤلف التبر المذاب .

خلوتی - خواجه عبد الرحیم خلوتی مولانا شمس الدین محمد القصابی المشرقی التبریزی از مشاهیرعرفای آنجاست در طریق نوشتن خطوط سته‌سرآمد روزگار خود بوده سند خطاطین آذربایجان باو می پیوندد فوق‌العاده شیرین و خوش‌مینوشته است وفات وی در غره محرم‌سال ۸۵۹ واقع شده در حظیره بابا مزید مدفونست (دانشمندان آذربایجان)

الخلود - دراحادیث وارده‌در خلود سید میر فضل الله بن میر فضل‌الله انجوی شیرازی بنام سلطان فیروز شاه هندی تألیف نموده

خلیج‌فارس - در کلمه(بندر) به‌خلیج فارس اشاره شده است ولی خلیج‌فارس نه‌تنها از نظر اقتصادی بلکه از نظرسیاسی و تاریخی تاریخچه بسی مهم و مبسوطی دارد که نقطه مرکزی سیاست و اقتصاد کشورعزیز ایران‌بر آن استوار میباشد ولی متاسفانه تا کنون نویسندگان زبردست تاریخ ایران کتابی سودمند جداگانه دراین خصوص نه نگاشتند . بهترین کتابی که بیگانگان در این موضوع تدوین کرده‌اند کتاب (خلیج فارس تألیف (نایب سرهنگ سوار تولد) میباشد که آقای محمد سعید ترجمه نموده و در سال ۱۳۱۰ چاپ شده .

خلیفه سلطان - خاندانی‌است نامی‌در زمان صفویه سران امیر علی مشهور بخلیفه سلطان بن خلیفه هدایةالله اصفهانی‌مازندرانی مرعشی ملقب بسلطان العلماء که بیشترین پدران و اجداد اوهم از علماء و امرا بودند مانند جدش میر قوام الدین معروف بمیر بزرگ والی طبرستان و مازندران که در سال (۱۰۶٤) در مازندران وفات کرده و کالبد اورا به نجف حمل نمودند سید علیخان در کتاب السلافه نوشته که در سال (۱۰۶۶)وفات‌نمود ولی افندی درریاض العلماء نوشته ممکن‌است که سید علیخان سهو کرده زیرا که وفاتش پس از بازگشت از فتح قندهار در شهراشرف از مازندران و آغاز سلطنت شاه عباس دوم بوده و این مدت بیش از پنجاه سال تازمان خودمان که سال ۱۱۰۶ باشد بنظر نمی‌آید

خلیفه سلطان - سیدعلاءالدین‌حسینی بن صدر کبیر میرزا رفیع‌الدین در عالم علم و فضل دارای مقام ارجمندی بوده و در اکثر علوم معموله عصر خود مخصوصاً در فقه و اصول تتبع کامل داشت و بسمت مصاهرت شاه عباس کبیر ارتقاء یافت بعد از وفات سلیمان خان وزیر درسال ۱۰۳۳ بوزارت شاه عباس نایل گردید و همانموقع پدرش‌رفیع الدین منصب رفیع صدارت متصدی بوده است پدر و پسر دریک دارالحکومه جلوس نموده به تمشیت امور می‌پرداختند تا آنکه والدش دارفانی را وداع گفت‌بعد از شاه‌عباس کبیر شاه صفی مدت دوسال منصب وزارت را بوی واگذار نموده سپس بر وی متغیر شده‌پسر وزیر را کور نمود و خودش را به اقامت قم امر نمود اما پس ازچندی علاء الدین‌را به اصفهان خواست علاءالدین چندی در اصفهان اقامت‌نموده سپس‌عازم‌حج‌شد و بعدازمراجعت در زمان شاه عباس ثانی پس ازقتل محمدتقی بوزارت شاه عباس ثانی تعیین گردید ۱۰۵۵

هنگام مراجعت در سلازمت رکاب همایونی بتاریخ ۱۰٦٤ در مازندران وفات نمود جسدش را بطوریکه سابقاً ذکر شد به نجف حمل نموده و آنجا دفن نمودند سیدعلاء لدین مدت پنجسال وزارت شاه عباس کبیر را نموده و دوسال تمام وزارت شاه صفی را عهده‌دار بوده مدت وزارت سید علاءالدین در دورهٔ شاه عباس ثانی هشت سال طول کشید

سیدعلاءالدین نزد پدرش که از فضلای مشهور بوده قسمتی از علوم را فرا گرفت حاشیه بر قسمتی از شرح لمعه مرقوم داشته و از شیخ بهائی عاملی معروف تحصیل اجازه نموده و از همدستان مولی خلیل قزوینی میباشد خلیل قزوینی کتاب الشافی در شرح کافی را برای وی تألیف کرده است .

بازماندگان سیدعلاءالدین از فضلای دورهٔ خود بودند با آنکه شاه صفی غالب آنانرا در کودکی کورنموده بود بر اکثری از همگنان در علم و کمال سبقت داشتند پسر وسطی سید علاءالدین میرزا ابراهیم از فضلاء و محققین نامی در بسیاری از کتب مهمه فقه و اصول مطالعاتی نموده که بهترین تحقیقات وی حاشیه بر شرح لمعه میباشد از حاشیه مذکور فقط قسمت طهارت آن در دست است وفاة وی در سال ۱۰۹۸ واقع شد فرزند وی میرزا ابراهیم بن خلیفه سلطان از رجال نامی قرن یازدهم بوده

تألیفات سید علاءالدین

حاشیه شرح لمعه حاشیه معالم این شرح وحاشیه بضمیمهٔ متن و مستقلا بطبع رسیده است حاشیه شرح مختصر عضدی شرح مزبور از مسئله چهارم از مسائل چهارگانه در بحث واجب از مبادی احکام شروع شده و تقریباً سید شریف تا همین قسمت شرحی بر مختصر نوشته و علاء الدین آنرا تکمیل نموده شرح علاءالدین از شروح مفیده نافعه کتاب مختصر عضدی بشمار میرود و کتاب توضیح الاخلاق - در سنه ۱۰۵۱ بامر شاه صفی بزبان فارسی تألیف نموده و در واقع مختصری از کتاب اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی است حاشیه برحاشیه خفری که بر الهیات شرح تجرید نوشته شده و اول کتاب عبارت ذیل مرقوم است :

و بعد فهذه تعلیقات کتبها الغریق فی بحر العصیان خلیفه سلطان ... حاشیه برمختلف علامه .

تعلیقات برمن لایحضره الفقیه

فوائد و تعلیقات متفرقه

رساله فارسی در آداب حج

تعلیقات بر حاشیه قدیمه جلالیه

شبهات در علوم متفرقه و جواب آن در صفحه ۱۵ تذکره نصرآبادی چند رباعی برای خلیفه سلطان مذکور نقل شده

رضا قلیخان در مجلد دوم نسخه کتاب روضة الصفا چاپ تهران راجع بوزرای شاه صفی چنین مینویسد وزیر نخست خلیفه سلطان پس از وی میرزا ابوطالب خان بن حاتم بیگ اردوبادی سپس میرزا تقی ساری اصلان ملقب بساری تقی

ازنامیان خاندان خلیفه سلطان

(۱) امام الدین سیدمحمد بن رفیع الدین خایل بن محمود خلیفه سلطان نخستین شخصی

ازین خاندان که بهندوستان آمده وپادشاه هندوی را امام الدین لقب داد از شعرا و دانشمندان بودد فرزندی از خود گذاشته بنام سعدالله

(۲) حسام الدین محمد بن سعدالله در کتاب الشهاب او راستایش نموده و در علوم متنوعه دستی داشته ـ منظومهٔ دارد درخواستن حاجات و تعلیقاتی نیز برآن بتاریخ سال ۱۱۲۹

(۳) سید همام الدین بن حسام الدیـن نامبرده

(٤) سید زین العابدین محمدجواد بن محمد حسین از بازماندگان خلیفه ساطان در قرن ۱٤ هجری در شالکو از شهرهای هندوستان وفات کرده دو فرزند از خود گذاشته بنام سید محمد وسید محمد تقی .

(٥) سید احمد میرزا بن اسحاق بن ابی تراب بن سلطان العلماء سید عبدالله جزائری درکتابش تحفة العالم وی‌رادر شماره شعرای نامی ذکر نموده .

(٦) سید علی بن محمد بن ابراهیـم عبدالفتاح خلیفه سلطانی در فقه و اصول فقه و ریاضیات آگاهی داشته بر میرزا یوسف‌طبیب در تبریز و برشیخ انصاری در نجف شاگردی کرده

تالیفاتش- حاشیه بروسایل ـ تتمة سلافة العصر حاشیه برکتاب جواهر الکلام- زاد ـ المسافرین درطب حاشیه بر رجال میرزا محمد رسالهٔ در درمان جدری.

(۷) سید جعفر بن علی مذکور پزشک نامی متوفی سال ۱۳۱۳ مدفون در وادی السلام فرزندانی از خود گذاشته

خلیل ـ ابوعبدالرحمن بن احمد بن عمرو بن یتیم محمد أزدی أسدی فراهیدی بصری نحوی مبتکر دانش عروض متوفی بسال ۱۷۰ یا ۱۷۵ ـ ابن الندیم در فهرست و ابن خلدون درمقدمه وازهری در تهذیب و دیگران ازوی ستایش مبسوطی نگاشتند از امام صادق (ع) روایت کرده وبظاهر عصر امام باقر را هم درك نموده و در سال ۱۷۰ در بصره بسن ۷٤ وفات نموده- دانش عروض را ابتکار کرده‌ودرپنج دایره منحصر ساخته و ازین پنج دایره پانزده‌بحر ـ استخراج نموده سپس اخفش یک بحر دیگری برآنها افزوده و ببحرخیب نامیده

از شاگردان وی سیبویه و نصر بن شمیل نصر در توصیف خلیل گفته ـ خلیل در کازهٔ از کازه‌های‌بصره زیست می کرده و توانائی بـر یافتن دو پشیز نداشته ولی مردم از دانش او بسی سرمایهٔ برای خود اندوختند ابن خلکان نگاشته که خلیل در مکه از خداونددرخواست نموده که باو دانشی‌الهام کند که سابقهٔ نداشته و پس از بازگشتن از مکه دانش بکرعروض را باو الهام فرمود خلیل پیش از ابتکارعروض ازموسیقی و نواهای آن هم آگاه بوده و از تألیفاتش کتاب النغم میشمارند

تألیفاتش ـ کتاب‌النغم کتاب العروض کتاب الشواهد کتاب النقط و الشکل کتاب فائت العین کتاب الایقاع کتاب جمل الا ـ عراب در نحووان‌غیر ازکتاب الجمل‌جرجانی

کتاب‌العین ـ در پیرامون‌آن گفتارهای گوناگون گفته‌اند (۱) انکار تصنیف کتاب ـ العین از خلیل بن احمد چنانکه فخرالدین در

کتاب المحصول گفته (قال بعضهم ليس كتاب العين للخليل و انما هو لليث بن نصر الخراسانی

(۲) خلیل بن احمدتنها آغاز کتاب العین را تصنیف کرده و لیث بن نصر بن هیام آن را تکمیل نموده .

ابن الندیم در فهرست گفته من بخطابی الفتح نحوی دوست بنی الفرات خواندم (قال ابوبكربن درید وقع فی البصرة كتاب العين سنة ثمان و اربعین قدم وراق من خراسان و كان فی ثمانیةو اربعین جزء فباعه بخمسین ديناراً و كان سمع بهذالكتاب انه بخراسان فی خزائن الطاهرية حتی قدم به هذا الوراق- و قیل ان الخليل عمل الكتاب و خلف الكتاب بخراسان فوجه به الى العراق من خزائن الطاهرية و لم يرو هذاالكتاب عن الخليل ولا روی فی شیئی من الاخبار

حروف كتاب العين

مرتب بر حروف حلق است که نخستین آنها حرف عین باشد و بعداز آن حروف هاء - حاء - خاء - غين - قاف - كاف - جيم - شين - صاد - ضاد - سین - راء - طاء - دال - تاء - ظاء - ذال - فاء - راء - لام - نون - میم - واو - الف - باء -

محمد بن اسحاق بن الندیم نگاشته نسخه كتاب العین که نزد من بوده نسخه ابو العلاءسجستانی است که از جمله مستند ر کین بر کتاب العین در خطاء و تصحیف و ذکر - مهمل بجای مستعمل یا بالعکس ابوطالب فضل بن سلمه و عبدالله بن محمد کرمانی وابو بکر بن درید و جهضمی و سدوسی و گروه دیگر از علمای لغت بیاری خلیل پرداختند و ردی هم بر آن ردود نوشته‌اند رازیدر کتاب مناقب الشافعی گفته ابوحسن علی بن قسم خوانی كتاب العین را مختصر کرده که از علمای نامی در نحو و لغت در خراسان بوده . راجع بكتاب العين ميبايستی بطبقاة النحاة سیرافی و طبقات النحاة سیوطی و تهذیب ازهری و فهرست ابن الندیم و مانند آنها رجوع کرد و اطلاعاتی سودمندی بدست آورد .

نسخه ازكتاب العين - در کتابخانه - متلاشی شیخ عبدالحسین تهرانی در کربلا بوده و نسخه دیگر نزد اب أستاس کرملی نگارنده مجله لغة العرب در بغداد بود که آماده چاپ شده ولی بچاپ نرسیده -نسخه دیگراز آن در کتابخانه مرحوم سید حسن صدرالدين در كاظمين بوده اولش هذا ما الفه الخليل بن احمد البصری رحمةالله عليه .

و نسخه مغلوط از آن در کتابخانه آقای ملک در تهران نیز یافت میشود

از تألیفات خلیل كتاب الاستدلال در اثبات صحت امامة علی بن ابی‌طالب (ع) که محمد بن جعفر مراغی از علمای امامیه در نحوان را تکمیل نموده و بکتاب الامامة نامیده ولی به کتاب خلیل معروف شده نجاشی در فهرست خود درسر گذشت محمدبن جعفرمراغی‌نامبرده چنین گفته یاقوت در معجم الادباء درسر گذشت محمد بن جعفرمراغی گفته -له كتاب الاستدلال بدون اینکه موضوع کتاب راذکر نمایدچونکه اصل کتاب را ندیده یا اینکه بواسطه تعصب خارجی که داشته و فراری شدن او از شهر حماة بجهت سب علی(ع) نام‌علی را یاد نکرده

خليل العبدى - له كتاب - معالم ابن شهر آشوب .

خليل بن غازى قزوينى - متولد بسال ۱۰۰۱ متوفى در قزوين بسال ۱۰۸۹ مدفون در مدرسه خود در قزوين از نامیان علمای امامیه بر شیخ بهائی و سید داماد و ملاحسین یزدی و دیگران شاگردی نموده وازشاگردان وی - حاج بابا ابن محمدصالح قزوینی و برادرش محمد باقر و محمد صالح روغنی قزوینی و علی اصغر قزوینی نزد پادشاهان بسیار مقرب بوده و در زمان وزارت خلیفه سلطان و دیگران در حدود سی سال مدرس مدرسه حضرت عبدالعظیم در ری بوده و سپس تدریس مدرسه را از او گرفته شد و بمولی نظام الدین شاگرد شیخ بهائی واگذار گردید - مولی خلیل اخباری مذهب بوده و گفتارهای فلاسفه و منجمان رانمیپذیرفت و نماز جمعه را در غیبت امام حرام میدانست و در فروع و اصول گفتارهای خاصی دارد از آنجمله کتاب کافی کلینی را چنین سپنداشت که همگی آن را امام غائب (ع) مشاهده نموده و پسندیده وواجب است که بتمام اخبار آن عمل شود - و کتاب الروضه از تألیفات کلینی نبوده بلکه ابن ادریس تألیف نموده این گفتار را نیز به شهید نسبت داداند

از تألیفاتش - کتاب الشافی فی شرح - الکافی بدستور خلیفه سلطان در سال ۱۰۵۷ درسکه بتالیفش آغاز ید و بامام غائب (ع) اهداء نمود وتا آخرابواب طهارت تالیف شده شاه عباس ثانی بقزوین آمد و پس از وفاة وزیرش خلیفه سلطان بوی دستور فرمود که شرح کتاب الصافی را بفارسی تألیف نماید اول کتاب الشافی الحمدلله علی ماوفقنا للتمسک بالثقلین الخ - بر کتاب الشافی تعلیقهٔ از محمد مهدی بن علی اصغر قزوینی معاصر حر عاملی

(۲) کتاب الصافی در سال ۱۰٦٤ بتألیفش آغاز شده و تا سال ۱۰۷٤ پانزده کتاب از آن شرح داده و در شرح کتاب شانزدهم که در معیشت است پنجم شوال سال ۱۰۷٤ شروع نموده و بقیه کتابهای الکافی را تا پایان کتاب الروضه شرح کرده و در سال ۱۰۸٤ شرح را باتمام رسانیده مدة تألیف همگی شرح بیست سال شده اولش فتح گنجینه شاهی شرح احادیث راز دان الهی موجود ازین کتاب شرح عقل و جهل در کتابخانه خونساری در نجف - شرح عقل و جهل و توحید و ایمان و کفر و دعاء وروضه ازآن در کتابخانه مشهد رضوی - در کتابخانه میرزا حسن شیرازی در سامراء مجلدی است درابواب معیشت دریکصد و پنجاه باب اولش الحمدلله اللذی جعل للعباد فی الارض معایش الخ و درکتابخانه حاج آقا اصفهانی ده مجلد از آن بوده و در کتابخانه دربار قاجاریه در تهران چند مجلد از آن در حج و صوم و زکوة یافت میشود ودرکتابخانه مدرسه صدر در تهران یک مجلد از آن در شرح عقل و توحید یافتم که مجلد اول آن باشد در قالب بزرگ پانصد صفحهٔ و در پایان صفحه آخر بخط شارح (قابلته مع نسخة فاضل من تلامذتی فصلح الاماراغ عنه البصر کتبه الشارح خلیل بن الغازی القزوینی عفی الله عنه فی شهرذی قعدة سنة ۱۰٦۹ ابدار

الموحدین قزوین تذکرة الصاحب مقرب الحضرة الخاقانية نجفعلی بیگ) مجلدی از آن یافتم درکرمانشاه در قضا و شهادات و دیات اولش الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی خیر خلقه وآله الطاهرین وشرح زکوة و صوم و صلوة درکتابهای سید احمد مازندرانی در تهران بتاریخ ۲۱ رجب سال ۱۰۹۵ بوده

(۳) شرح کتاب العده در اصول تألیف شیخ طوسی افندی گفته مشهور است که حاشیه بر عده و تا میان مطالب عده نیز نرسیده در دو مجلد اول از آن معروف بالحاشية الاولی و مجلد دوم معروف بالحاشية الثانية و در حاشیه اولی حاشیه مبسوطی درج کرده و در آن گفتار شگفتی گفته و عادتش چنین بوده که این دو شرح تا هنگام وفات تغییر میداده و برای همین نکته نسخه های مختلف شده ازین حاشیه نسخهٔ درکتابخانه سبزواری در مشهد رضوی بوده که بمدرسه محمد باقر معروف است - العدة در ایران چاپ شده حاشیه ملا خلیل در سال ۱۳۱٤ چاپ شده -درکتابخانه امام جمعه درکرمانشاه حاشیه از خلیل بن غازی یافتم که در دیباچه آن ذکر نموده حواشی برعدة الاصول تدوین نموده و در برخی از مسائل آن سخن را مبسوط کرده بمانند رساله جداگانه می باشد

حواشی برحاشیه مولی خلیل برعده

(۱) از شاگردش علی اصغر قزوینی در چند مجلد و درکشف الحجب نامش را تنقیح المرام نگاشته (۲) از احمد طالقانی که حاشیه برحاشیه علی اصغر بر حاشیه ملا خلیل برعدة شیخ عبدالنبی آن را درتکمه أمل الامل ذکرنموده (۳) ازمحمد باقرغازی قزوینی درکشف الحجب ذکر شده (٤) از فرزندش احمد بن خلیل قزوینی میرزا حسین نوری در خاتمة مستدرك الوسائل نوشته که حواشی دیگری بر عده گردآوری کردند .

(٤) از تألیفات مولی خلیل رسالهٔ در حرمت نماز جمعه در زمان غیبت بفارسی و درکتاب الصافی درج شده سپس جداگانه تدوین کردند - فاضل قمی در ردش سه رساله مختلف نوشته

٥ - رساله نجفیه در پاسخ پرسشهای نجفعلی بیگ در برخی از مسائل حکمیه

٦ - رساله قمية در جواب تزر علی بیگ حفنی از قم در بعضی مسائل حکمی

۷ - المجمل در نحو

۸ - حاشیه بر کتاب مجمع البیان

۹ - رموز التفاسیر الواقعة فی الکافی والروضه

۱۰ - تعلیقات بر کتاب التوحیدابن بابویه ایام اقامتش در مکه

فرزندان دانشمند داشته

(۱) احمد بن خلیل قزوینی در حیات پدرش بسال ۱۰۸۳ وفات کرده و حاشیه بر حاشیه پدرش بر عدة طوسی .

(۲) ابوذر بن خلیل متوفی بسال ۱۰۸٤

(۳) سلمان بن خلیل همعصر افندی - مؤلف ریاض العلماء . رسالهٔ در حرمت نماز جمعه زمان غیبت و تتمه مناسك حج نسخه درکتابخانه مدرسه ناصری در تهران .

میرزاخلیل بن ملا ابراهیم رازی نجفی سرخاندان خلیل در نجف وتهران متوفی بسال ۱۲۸۰ . در نجف مدفون در خانه خود از نامیان پزشکان و پرهیزکاران عصر خویش مدتی در حائر حسین اقامت گزید سپس در نجف اقامت کرد محدث نوری میرزا حسین در کتابش وادی السلام کراماتی برای وی نگاشته

از فرزندان و بازماندگان ایشان

(۱) **ملاعلی** بن میرزاخلیل متولی فی بسال ۱۲۹۶ فقیه محدث رجالی شاگرد شریف العلماء صاحب فصول در اصفهان و صاحب الجواهر در نجف

از تألیفاتش کتاب خزائن الاحکام فی شرح تلخیص المرام علامه در چند مجلد غصون الایکة الغروية فی الاصول الفقهية - سبيل الهداية فی علم الدراية - حواشی بر منتهی المقال در رجال - حواشی بر تعلیقه اقابافر بهبهانی - حواشی برنجاة العباد و غیرها

(۲) **میرزاحسین** بن میرزا خلیل نجفی متوفی در مسجد سهله بسال ۱۳۰۶ مدفون در مقبره خود جنب مدرسهٔ که ساختهٔ بود. از پیشوایان علمای امامیه در پرهیزکاری مدتی درایران بر مسلك عرفا وگزیدن عزله زیست می نمود سپس به نجف آمد و در مسجدسهله غالباً بعبادت می ورزید برصاحب الجواهر و بعدش بر شیخ انصاری شاگردی نمود . در تأسیس مشروطیت ایران و انقلاب سیاسی آن پیشوای مهمی بود .

تالیفاتش - کتاب الغصب - کتاب - الاجاره - شرح نجاة العباد از فرزندانش - محمد بن میرزا حسین از فضلای نامی بود .

از نامیان پزشکان خاندان میرزا خلیل در نجف - میرزا حسین - میرزا محمد - میرزا باقر - میرزا بابا - که فرزندان خود ملاخلیل بودند

و از بازماندگان میرزا خلیل - میرزا محمود میرزا صادق

خلیل بن محمد اشرف اصفهانی متوفی بسال ۱۱۳۹ از تألیفاتش شرح رسالة الجبر والتفويض که ابوالحسن الهادی (ع) نوشته که عبارت است از حدیث مبسوط بروایت عمران صابی از امام (رضا (ع) در اثبات مبدء و توحید و غیره - این حدیث در کتاب عیون اخبار - الرضا ثبت شده و در پایانش نوشته - وقع الفراغ من تسوید هذی الاوراق لیلة الاربعاء ثانی محرم سنة ۱۱۲۳ - از ریاض الجنة زنوزی نقل شده) نسخه این رساله نزد خود زنوزی بوده

خلیل بن ابراهیم - مؤلف مفتاح الکنوز نسخه‌اش در کتابخانه مدرسه ناصری درتهران از اولش افتاده دارد .

خلیل قزوینی اشتهارد رودی - از تالیفاتش زبدة العقاید الخلیلیة نسخه‌اش نزد سید محمد علی سبزواری درکاظمین بوده.

میرزاخلیل زرنگار ونقاش نامی ایشان و میرك و مولانا محمد نقاش و یاری و قوام الدین میرك و عبدالله شیرازی ازنامیان نقاشان و خطاطان ایران در عصر خود بودند و در رنگهای کبود و سبز و سرخ و طلائی و پرتقالی تصرفات ماهراند کرده‌اند (بکلمه تذهیب ازین کتاب رجوع نمائید) .

خمار تاش از امرای نامی متمول قزوین در ایام اخیر خمارتاش بن عبدالله ابومنصور عماری است که برغبت درخیرات و مبرات اشتهار تام دارد صاحب کتاب التدوین مینویسد « خمارتاش ازامرای نامی پرهیزکار میباشد آثار خیریه از وی مانند مسجد جامع جدید و قطعات خمار تاشیه که خود احداث نموده و مدرسه و خانقاه در قزوین باقی است و همچنین در مکه و منی آثار و ابنیه خیریه این امیر دیده میشود » باز در کتاب التدوین ضمن شرح قنوات شهر قزوین چنین مینگارد : (یکی از قنات های شهرقزوین، قنات خمار تاش است که امیر پرهیزکار خمار تاش بن عبدالله درایام زندگانی خود احداث نمود و بیش از دوازده هزار دینار بمصرف آن رسانید و قسمتی از محلات شهر بواسطة آن مشروب میشود) صاحب کتاب ضیافة الاخوان مینگارد که مسجدو قنات تا ابن تاریخ (۱۰۹۲ هجری باقی است درصورتیکه تاریخ بنای مسجد سال پانصد هجری و اتمام آن در ۵۰۹ بوده است و صورت مفصلی از موقوفات و خیرات جاریه امیر خمارتاش در سمت دیوار غربی مسجد منقوش گردیده که از آنجمله شرایط و ترتیب تقسیم قنات خمار تاشیه بطریق ذیل میباشد:

« یقول العبد الضعیف المنتظر لعفو ربه الله خمار تاش بن عبدالله بانی القناة الخمارتاشیه جعلته قسمة بین أهل قزوین فوالله لاهل طریق ابهر یأخذون حظهم من رأس سکة شریح و سدسه لاهل رستق القطر یأخذون شربهم من رأس دیوکیه و ربعه لاهل مدینة العتیقه یأخذون نصیبهم من موضعین من رأس سکة الاکا فان من عندالمسجد و من باب الجامع العتیق الی رستق الصاغه و ما فضل عندهم لاهل طریق اروان و ثلثه لاهل طریق کری والصامغان و سکة الحریریة و اهل طریق المقابر یأخذون حظهم من باب الجامع العتیق الی رستق الصاغة فلایحل لاحد تغییر هذه الجملة فمن فعل ذلک فعلیه لعنةالله و الملائکة والناس اجمعین فرحم الله من دعاله بالمغفرة » (۱)

در پارهٔ از تواریخ مذکور است که خمار تاش درجنب مسجد الحرام برای حجاج قزوین عمارتی بنا نمود و درصدد برآمد که پنجرهٔ از آن عمارت به مسجد الحرام باز نماید وخازنان بیت باین مطلب حاضر نمیشدند خمار تاش برای انجام این منظور مبلغی که امروزمعادل چهار هزار تومان است به اشخاص ذی مدخل هدیه نمود و پنجره را بازکرد که تاکنون نیز باقی است خمار تاش با اوصاف مزبوره ازجمله رواة حدیث بوده وازجعفربن محمد بطور الروسی بوسیلهٔ ابی شاکر احمدبن علی بن محمد احادیث مهمه روایت مینماید.

صاحب کتاب التدوین راجع بروایت امیر خمارش چنین مینگارد :

قرأت علی الشیخ علی بن عبدالله بن بابویه اخبرنا الامیر الزاهد ابو منصور خمارتاش بن عبدالله الروسی فیما اجازلنا بقزوین باسناده الی جعفر بن محمد بطورالروسی قال صاحب رسول الله قال رسول الله من مشی الی جرجان فکان مشی

(۱) ازکتاب ضیافة الاخوان

علی ارض الجنة و تستغفر له الملائکة و تسبح له اعضائه .... (حدیث فوق در کتاب هدیة الخلان نیز مذکور است)

خمایسی خاندانی در نجف سر آن شیخ اسحاق خمایسی فقیه پرهیزکار در راه کربلا و صحرای بی‌پایان گمراه شد واز سختی تشنگی وفات کرده سید احمد عطار بغدادی شاعرعصر وی را بقافیه سوگواری کرده پایانش

مدارس العلم قد نادت مؤرخة
لفقد اسحاق مات العلم و العمل

(۱۱۷۳)

موسی بن اسماعیل بن ابراهیم بن عبد - العلی بن یحیی معروف بخمایسی در سال ۱۲۰۷ وفات کرده ایام و باء در نجف و درصحن دفن شده - برصاحب الجواهر شاگردی کرده و در تدریس آداب عربی معروف بوده.

محمد بن موسی بن اسماعیل نامبرده خمایسی از شعرای عصر بوده .

خمسه محدود است ازطرف شمال به پشتکوه گیلان وگرسرود خلخال ، از مشرق به قزوین از مغرب به گروس و افشار از جنوب به همدان خمسه از دو دره تشکیل یافته یکی دره زنجان رود که شیب آن ازجنوب شرقی به شمال غربی است و دیگری قزل اوزن (سفید رود) که از شمال غربی به جنوب شرقی سیرود علاوه براین قسمتی از ابهر رود و خر رود هم جزء زنجان - میباشد بقیه جزء قـزوین است بین دو درهٔ قزل اوزن و زنجان رود کوه‌های مهمی مانند انگوران ، آق داغ ، قراول و غیره دیده میشود که آبهای آن قسمتی وارد زنجان رود وقسمتی وارد سفید رود میشود آب و هوای خمسه - معتدل است و بر اثر کوههای مرتفع آبش زیاد است محصولات گرمسیری در خمسه فقط در طارم یعنی دره سفید رود عمل میآید تاکستان های خمسه در دره ابهر رود است خمسه دارای مراتع بسیار است ایلات خمسه عبارت است از ایل شاهسون دویزن و افشار ، اصانلو مقدم . بیات ، خدابنده‌لو .

خمسه فردوسی - ناظم شاهنامه متوفی بسال ٤١١ نسخه درکتابخانه حالت افندی در اسلامبول

خمسه نظامی شیخ جمال الدین ابومحمد یوسف بن مؤید تفرشی قمی کجوری متوفـی بسال ٥٩٦ مدفون درگنجه دربمبای چاپ‌شده

خموش - محمد شریف شیرازی تهرانـی نامی اسی - دیوانی دارد شامل دوهزار بیت

خمیس خاندانی درنجف- نامی آن خمیس جبوری منسوب به قبیله جبور کنار شط فرات - شاگرد سید مهدی بحر العلوم

محمدحسین بن خمیس - شاگرد شیـخ موسی کلشف الغطاء در سال ۱۲٤۲ وفـات کرده و در نزدیکی مسجدی معروف بمسجـد الخضراء در صحن نجف دفن شده - تحریراتی در فقه و اصول فقه داشته .

خمیس بن محمدصالح خلف آبادی متوفی در اثنای ده سال اخیر ۱۱٦۰ هجری خود و - محمد بن صالح ازادباو شعرا بودندسیدجزایری درکتابش تحفة العالم ایشان را ذکر نمود.

خنفر - خاندانی در نجف نامی آن محسن بن خنفر منتفکی منسوب بقبیله منتفک کنار شط

فرات نزدیک نجف متوفی بسال ۱۲۹۰ مدفون در جنب شیخ حسین نجف درصحن فقیه ادیب شاگرد شیخ موسی کاشف الغطاء - سید محمد هندی شاگرد خنفر نامبرده در کتابش نظم - اللئالی در رجال گفته برخی از معارضین وی را به پیروی طریقه شیخیه متهم کرده از تألیفاتش کشف العقاید در عبادات - شرح القواعد در معاملات - الرد علی الاخباریة ردی بر میرزا محمد اخباری - کتابی در اصول فقه

- **عبدالله** بن خنفر شاگرد شیخ موسی کاشف الغطاء

علی خنفر نجفی شاگرد سید جوادعاملی

خوابگاه - یاقلعه خوابگاه ص ٥٤ مرءآت البلدان .

خواتیم الصالحین - ابوعلی معروف به محمد أمان در ذیقعده سال ۱۲٤۹ از تألیف خواتیم الصالحین فراغت یافته اولش در کتاب کشف الحجب والاستار چنین آمده الحمدلک یا من زین السماء الدنیا بزینة الکواکب

خواجه - بروزن راجه کدخدا و رئیس خانه را گویند و عظیم و شیخ و میروبالدا رو عالم و صاحب جمعیت را نیز گفتند و بمعنی - دل و روح هم هست و خدمتکاری که آلت - تناسل او را بریدند و خواجه تاش غلامان و نوکران یک آقا را گویند و بمعنی خداوند و صاحب جاه هم آمده (برهان قاطع)

٤ - **خواجه** جلال الدین محمد کججی از وزراء معروف حوزه شاه طهماسب وشاه اسمعیل است پس از قتل میرزا شاه حسین شاه اسمعیل مشارالیه را که ازرفقای قتیل مزبوربود بوزارت انتخاب کرد روزی خواجه جلال الدین بیاد رفیق خود میرزا شاه حسین افتاد و رباعی ذیل را سرائیده

ای نور دو دیده جهان افروزم
رفتی تو و چون شب سیه شدروزم
گویا من و تو دو شمع بودیم بهم
کایام تورا بکشت و من میسوزم

خواجه جلال الدین پس از یکسال وزارت شاه طهماسب بدست دیو سلطان روملو کشته شد و جسدش را بامر موسی الیه در حصیری - پیچیدهٔ سوزانیدند پس از قتل خواجه قاضی جهان سیفی قزوینی (شرح حال وی ذکرخواهد شد) و بعد از او میر جعفر ساوجی بوزارت رسید وزیر اخیر در معرکه منازعه که بین امراء واقع شد بقتل رسید سپس احمد بیک نورکمال از بزرگان طایفه کمالیه اصفهان مدت شش سال مستقلا وزارت شاه طهماسب را عهده دار شد خواجه غیاث الدین ممدوح شریف تبریزی آقا محمد فراهانی و خواجه امیر بیک مشهور بامیر بیک مهردار از خویشان میرزا زکریاء کججی و میرزا بیک ابهری و معصوم بیک صفوی در دوره سلطنت شاه طهماسب بنوبه خویش پی در پی بوزارت رسیدند خواجه امیر بیک مزبور در علم نیرنک و جفر معرفت تام داشت وادعای تسخیر شمس نمود شاه بر وی غضب کرده در قلعه الموت حبسش نمودتا آنکه در ایام اسمعیل میرزا رهائی یافته وفات کرد (۱)

خواجه ربیع بن خثیم (۲)

(۱) ص ۱۷۵ عالم آرا و ریاض العلماء افندی
(۲) نص عبارت کتاب مطلع الشمس صفحه ۳۸۳

در نسب او الاسدی الثوری التمیمی الکوفی مینویسند از زهاد ثمانیه معدودمیشود در رجال کشی از فضل بن شاذان نیشابوری منقولست که فرموده حسن بصری یکی از زهاد ثمانیه میباشد و از ایشان چهار نفر با علی بن ابیطالب (ع) و از اصحاب آن بزرگوار بوده اول ربیع بن خثیم بر وزن زبیر دویم هرم بن حیان سیم اویس قرنی چهارم عامربن عبدالقیس پنجم ابو مسلم خولانی که صاحب معاویه بن ابی سفیان بود و مردم را بقتال امیر المؤمنین (ع) تحریض میکرد ششم مسروق بن الاجدع که عشار معاویه بود وبا همین شغل درگذشته هفتم حسن بصری که پیوسته در خیال ریاست بود و برمذهب قدریه میرفت هشتم را خود فضل بن شاذان ازطی بیان انداخته است خواجه ربیع علم حدیث ازابن مسعود و ابو ایوب فرا گرفته و شعبی و ابراهیم و بکربن ماغر از او آموخته‌اند درکتب تفسیر بتخصیص در مجمع البیان اقوال ربیع بن خثیم در تفاسیر آیات برقانون‌سایر روایات‌ثبت است حضرت رضا(ع) بزیارت قبر ربیع حاضر میشده‌اند و بروایتی - میفرموده‌اند لم یجرنی الی هذه‌الناحیةالاشوق زیارته شاه عباس‌ماضی‌احوال‌او رااز شیخ بهاء الدین استفتافرموده‌است شیخ باینعبارت‌جواب نوشته که (بعرض میرساند خواجه ربیع علیه الرحمة از اصحاب امیرالمؤمنین و بسیار مقرب آنحضرت بود و درکشتن عثمان نیز دخلی - داشت در وقتیکه لشکر اسلام‌بخراسان بجهاد کفار آمده بود همراه بوده است و در آنجا فوت شده واز حضرت‌امام رضا منقول‌است که فرموده ما را از آمدن بخراسان فایدهٔ نرسید بغیر از زیارت خواجه‌ربیع انتهی‌خواجه‌حمدالله‌مستوفی گوید ربیع بن خثیم‌از جانب امیرالمؤمنین(ع) والی قزوین بوده است‌ابن اعثم کوفی آورده که ربیـــع بن خثیم واپسین سرداری است که باردوی مبـارك امیرالمـؤمنین علیـه‌السلام پیوست و ربیع در ری میبود و آنحضرت انتظار او را میکشید همینکه با چهار هزار سوارآراسته ملک ری وارد شد موکب مقدس بسمت‌صفین درحرکت آمد جارالله زمخشری صاحب کشاف میگوید چون خبر شهادت حسین بن علی را - بربیع بن خثیم آوردند گفت آه اوقدفعلوا آنگاه این کریمه تلاوت کرد که اللهم فاطرالسموات والارض عالم الغیب و الشهادة انت تحکم بین عبادك فیما کانوافیه یختلفون و بروایتی بیست سال تمام از وی درامر دنیا کلام‌شنیده نشد علماء اخلاق و ارباب صمت و سکوت‌از خواجه ربیع چیزها مینویسند حجة الاسلام - عزالی در احیاء العلوم آورده که ربیع‌بن خثیم درخانه خود گوری کنده‌بود هرگاه که درخاطر خویش قساوتی احساس کردی داخل آن گور شدی و بخفتی و بگفتی رب ارجعون‌لعلی اعمل صالحا فیما ترکت آنگاه با خود خطاب کردی که یاربیع قدار جعناك فاعمل‌شیخ بهاء الدین درکشکول آورده که باخواجه گفتندتورا هرگز نمیشنویم که غیبت کس بکنی‌فرمود - لست عن‌نفسی راضیافاتفرغ لذم‌الناس‌ازکلمات اوست که لوکانت الذنوب تفوح‌ما جلس احد فی جنب احد فوت خواجه ربیع بروایت‌اکلیل المنهج در حدود شصت و سه از هجرت روی

داده‌است و در مختصر ذهبی مسطور است که وفات ربیع بن خثیم در سال هفتاد از تاریخ هجرت اتفاق افتاده شیخ ابوالقاسم قشیری در رساله مشهورهٔ خویش آورده است که چون خواجه ربیع مرده بود دختر همسایه او با پدر گفت که بر پشت بام همسایه هرشب ستونی میدیدم مدتیست بنظر نمیرسد آنمرد گفت ای دخترك ستون کجا مرد صالحی بود در جوارما که هر شب از برای عبادت بر سطح بام همی قیام داشت و او درگذشت رحمة‌الله علیه

خواجه ابوالصلت الهروی (۱)

نامش عبدالسلام است خلف خواجه ـ صالح مخالف و مؤالف بر توثیق روایت وتصحیح نقل و جلالت امر و علو مقام او اتفاق دارند و از علماء امامیه در تشیع وی کسی توقف نکرده است الا شیخ الطائفه ابوجعفر طوسی که صریحاً او را عامی نوشته و محققین از مصنفین فن رجال این رای را از حضرت‌شیخ بر التباس حمل نموده‌اند زیراکه خواجه با اهل سنت و جماعت اختلاط و امتزاجی بکمال داشته است مثل محمد بن اسحق صاحب‌سیره و اعمش و غیرهما و از اینجهة‌اخبار واحادیث ایشانرا نقل مینموده بر آئین سایر روات ایشان اینمعنی‌منشاءاین فتوی گردیده‌است وگرنه خود از علماءاهل‌سنت‌و جماعت‌جمعی به تشیع ورفض او تصریح کرده‌اند وگفته‌اند قدحی که‌داشت همین بود علامه کشی ازابن نعیم و احمدبن سعید رازی روایت‌نموده است که در حق‌خواجه ابوالصلت گفته‌اند ثقة مأمون علی‌الحدیث و لکنه شیعی‌المذهب‌محب لال الرسول‌صاحب میزان الاعتدال گفته است‌عبدالسلام بن‌صالح ابوالصلت رجل صالح الا انه شیعی و از جعفی روایت شده‌که گفته است انه رافضی‌ـ خبیث دارقطنی کفته‌انه رافضی متهم ابن ـ الجوزی گفته‌انه‌خادم‌الرضا(ع)شیعی‌مع‌صلاحه باری خواجه ابوالصلت‌از خواص‌خدام حضرت رضا علیه السلام‌بوده و درخبروفات‌آن‌بزرگوار کتابی تألیف نموده روایات بسیار در عیون و امالی و غیرهما از و رسیده‌که بر تشیع بلکه براینکه از خواص اینطایفه بوده است دلالت صریح دارد مزار خواجه را در سه جانشان ـ میدهند یکی در خارج شهر مشهدمقدس‌دیگر درسمنان و دیگر درقم و درهریك ازاین سه نقطه بناء و بقعه بنام او مشهور است سلسله نوریه طایفهٔ اعتمادالدوله صدر اعظم میرزا آقا خان از نژاد خواجه ابوالصلت میباشد

خواجه‌حسین مشهدی ثنائی‌درکتاب مطلع الشمس وی را از شعرای مشهد رضوی دانسته‌دیوان‌دارد در پنج هزاربیت‌درکتابخانه نورعثمانیه در اسلامبول وکتابخانه آل سید عیسی عطار در بغداد ـ شاه طهماسب صفوی را باین بیت مدح نموده

خدیو عصر خداوند انس و جان
طهماسب شاه پایدار حسن‌و جان

خواجه شریف الدین هجری

فرزندان و بازماندگانش بنقل از تذکره هفت اقلیم نسخه خطی .

(۱) **خواجه** غیاث‌الدین فرزند خواجه شریف شاعر و ادیب

---

(۱) نص عبارت‌کتاب مطلع‌الشمس‌ص ۳۵۸

(۲) **خواجه** محمد طاهر فرزند خواجه شریف شاعر

(۳) **خواجه** میرزا احمد برادر خواجه شریف مقرب نزد شاه طهماسب صفوی-اشعاری دارد

(٤) **خواجه** مکی برادر خواجه شریف-شاعر

(٥) **خواجه** خواجکی برادرخواجه‌شریف

(٦) **خواجه**شابور فرزندخواجه‌خواجکی

(۷) **خواجه** عبدالرضابرادرخواجه‌شریف

(۸) **خواجه** محمد حسین خواهر زاده خواجه محمد رضا شاعر نامی

در تذکره هفت اقلیم برای هریک از-آنان اشعاری ذکرشده

خواجه شمس الدین محمد جوینی و فرزندش و برادرش عطاملک و غیره از وزرای جوینی‌درکلمه(جوین) ازین کتاب ذکر شده.

خواجه ضیاء الدین‌ترکه (کلمه ترکه را بیابید)

خواجه عبدالله‌انصاری‌مؤلف رساله کنز الساکنین در حال عرفاء اولش حمد بی‌حد-الهی را - از اول‌افتاده داردد رکتابخانه‌مدرسه ناصری در تهران

خواجه غیاث الدین محمد - برادر کوچک خواجه امیر بیک مهر دارکججی‌است و بعضی‌اوقات‌در عراق عرب‌بامر وزارت‌اشتغال داشت گویند که شاعری قصیده‌ای در مدح او گفته بی جهت زبان بهجوش گشاد خواجه مذکور این قطعه در جواب اوگفته نزدش-فرستاد

« بمدح آنچه افزودیم در کمال
ز هجوی که گوئی همان کم‌شود
« زدم لابه سگ چه شادی رسد
که از عوعوش موجب غم‌شود
(تحفه سامی)

وله

« خموشیم شب هجران زبیوفائی نیست
که ناله را بلبم قوت رسائی نیست»
« دل شکسته ما را شراب کرد علاج
شکست تو به من کم زمومیائی‌نیست
(صبح گلشن)

غیاث‌الدین محمد بن خواجه‌رشید - از عنفوان‌جوانی همت‌عالی‌بکسب فضایل نفسانی و تحصیل کمالات انسانی مصروف‌داشته‌رایت مهارت در اکثر علوم و فنون برافروخته‌بطاقت لسان و فصاحت بیان و حسن خلق و لطف طبع و سلامت نفس و استقامت ذهن مشهور گشته است درمبادی ایام بگذاردن‌حج‌مشرف شده و در عهد سلطان ابوسعید بهادر خان‌پس از قتل امیر دمشق خواجه بن چوپان(۷۲۸) امر وزارت بخواجه غیاث‌سپرده شده تا آخرایام آن پادشاه درسرکار بوده است و پس از فوت وی پنجماه وکسری هم در سلطنت آریا خان قبض و بسط مهام ملک و مال در قبضه‌اقتدار او بوده است در روز چهارشنبه ۱۷ رمضان سنه ۷۳٦ پس از ظفر و نصرت امیر علی گرفتـــار و روز ۲۱ رمضان در سه گنبدان بشهادت رسیده است یکی از افاضل آذربایجان در مرثیه آن وزیر فاضل بنظم آورده است

« جای آنست کاختران امروز
بر سر از دست چرخ خاك کنند»
« الغیاث الغیاث در گیرند
ناله و آه دردناك کنند»
« که وزیر بدان عزیزی را
بچنین خواری هلاك کنند»

پس از شهادت خواجه دست او را بر سر نیزه کرده بشیراز برده‌اند قاضی عضدالدین ایجی قصیده‌ای در مرثیه ان‌وزیر گفته این دو سه بیت از آنجاست .

« یا حاملا لید الوزیر منوطة
فوق القضیب فقد حملت جلیلا
« ما بالها ذلت و کانت عمرها
تغنی فقیرا او تعز ذلیلا »
« مهلا فتلك ید تعود بطنها
بذل النوال وظهرها تقبیلا»

قاضی عضد الدین انیس و جلیس خواجه غیاث الدین بوده شرح مختصر ابن حاجب را دراصول فقه و متن مواقف را درکلام و فواید غیاثیه را در فن معانی و بیان باسم او تصنیف فرموده‌اند قطب الدین رازی هم شرح مطالع و شرح شمسیه را بنام وی نوشته تاریخ گزیده حمدالله مستوفی نیز بنام اوست سلمان ساوجی قصیده مصنوع و اوحدی مراغه‌ای جام جم را باسم وی منظوم کرده‌اند مدرسه غیاثیه درمحله غیاث تبریز و غیاث آباد که الحال بخامنه معروف شده است از جمله تأسیسات وی بوده است (دستور الوزراء . لب التواریخ)

(۱) **غیاث‌الدین** خواجه شیخ محمد متخلص به کجج - پسر خواجه ابراهیم بن خواجه صدیق برادر خواجه محمد کججانی[1] معروفست که احوالات او درحرف میم نوشته خواهدشد این خواجه شیخ محمد شیخ الاسلام اعظم‌عهد ملك اشرف و سلطان اویس و سلطان حسین بوده و ازسوء رفتار ملك‌اشرف مدتی‌در دمشق و شام و بغداد ساکن بوده و در مملکت مصر صاحب اسم و شهرت بوده و درآنسامان القاب ویرا الشیخ غیاث الکربی بتبریزاعادالله تعالی من برکته المجلس السامی مینوشته‌اند

در زبدة الافکار مینویسد شیخ مزبور به سلطان اویس تعلق خاصی‌داشته وبعداز رحلت آن پادشاه شعر نگفته و زبان بیان را بااین - قطعه قطع نموده است .

« بعد دارای جهان سلطان معزالدین اویس
برکجج یکبارکی شد بسته ابواب سخن»
« هیچ گلبرگی نخندد در چمن بعد از بهار
ور بخندد خندد او بر کار و بار خویشتن
« من بخونین چشم میگریم کزان ابر بهار
حال من دیدی بخون بگریستی برحال من»
« پیش‌از این بیتی که گفتم بود آن‌بیت‌الطرب
شد سخن ازضجرآن بیت الطرب بیت الحزن
« از هوای وصف سلطان شاعری کردم شعار
از شعار شاعری دیگر نخواهم دم زدن »
« باد هر ساعت هزاران رحمت غفران نثار
بر ریاض مرقدش از بارگاه ذو المنن »

وفات مولانا کجج در تاریخ ۷۷۸ واقع شده مولانا عبدالقادر مراغی و فضل‌الله عبیدی

---

(۱) کجج یا کججان قریه‌یست ازبلوك مهرانرود از توابع تبریز که بفاصله دو فرسخ از آن واقع شده است .

وسلمان ورضوان شاه تبریزی ازمعاصرین وی بوده‌اند . برحسب نگارش دولتشاه سمرقندی دیوان او در آن اوان درعراق و آذربایجان شهرتی داشته و در صحف ابراهیم می‌نویسد ـ کلیات دیوانش با قصایدی که در مدح سلطان اویس گفته ده هزار بیت است نگارنده نسخه‌ای از دیوان او که در ۷۸۷ تحریر شده است قریب بده هزار بیت در کتابخانه راشد افندی در استانبول دیده‌ام . (تذکره دولتشاه سمرقندی ـ زبدة‌الافکار ـ صحف ابراهیم .)

۱۲ ـ **خواجه** کمال‌الدین محمد علی کرمانی خلاق المعانی از آثارش روضة‌الانوار بر روش مثنوی .

خواجگی رضوی سرایدار مولف زاد المسافرین در دانش اکسیر در یك مقدمه و مقاله و خاتمه (ریاض العلماء افندی)

خواجه مسعود ـ دیوانی دارد در عصر سلطان حسین غازان بهراة رفته.

خواجه نصیرالدین طوسی (۱)

ابوجعفر محمد بن حسن شیخ ـ الحکماء معروف بعقل حادیعشر بوده است .

ولادت و وفاة خواجه

امین احمد رازی در کتاب (۲) هفت اقلیم بمناسبت ذکر فضلای ساوه چنین مینویسد که خواجه اصلا اهل قهرودی ساوه بوده وبمناسبت متولد شدن درطوس بطوسی مشهور شده‌است ولادتش اول طلوع آفتاب ۱۱ جمادی‌الاول ۵۹۷ ووفاتش ۱۸ ذیحجه ۶۷۲ و مدت حیاتش هفتاد و هفت سال و هفت روز بوده است وفات خواجه در رصافه بغداد اتفاق افتاد خواجه طوسی وصیت نمود ویرا درجوار امام موسی کاظم دفن نمایند لذا اورا در سرداب مخصوصی که ناصربالله خلیفه عباسی در پای قدم امام (ع) برای خویشتن ترتیب داده بود دفن کردند در جامع شیدی (۳) مسطور است که حمدالله مستوفی تاریخ و وفات خواجه را به نظم درآورده است .

نصیر ملت و دین پادشاه کشور فضل
یگانه که چو او مادر زمانه نزاد
بسال ششصد و هفتاد و دو بذی‌الحجه
بروز هیجدهم در گذشت در بغداد

(٤) استادان و شاگردان خواجه

استادان و شاگردان خواجه

خواجه نصیر علوم نقلیه را ازپدر خویش محمد بن حسن آموخته و وی شاگرد فضل‌الله راوندی است که او شاگرد سید مرتضی بوده است در هفت اقلیم مذکور است که خواجه در علم حکمت شاگرد دائی خویش فریدالدین داماد بوده و فریدالدین نزد صدرالدین سرخسی تلمذ کرده است و صدرالدین شاگرد بهمنیابوده و بهمنیا در علم حکمت از شاگردان بلاواسطه ابن سیناست قطب‌الدین مصری کمال‌الدین مصری معین‌الدین بن بدران معتزلی از مشایخ و استادان خواجه نصیر طوسی میباشند معظم‌له با سید علی بن طاوس حسینی و شیخ میثم بن علی بن میثم بحرانی در مدرسه ابوالسعادات اصفهانی متفقا تلمذ نموده‌اند بنا بعقیده پاره از مورخین ابن هیثم در فقه استاد و در حکمت شاگرد خواجه بوده است خواجه نصیر از شیخ برهان‌الدین همدانی روایت اخبار نموده که استاد شیخ مزبور در روایت منتجب

(۱) ص ۵۵ ـ ۷ آثار : الشیعة‌الامامیة فارسی چاپ چاپخانه مجلس ملی بسال ۱۳۰۷

(۲) خطی است در کتابخانه مدرسه سپهسالار جنید در تهران ـ مولف از رجال قرن دوازدهم هجری است و شیعه مذهب بود.

(۳) خطی و مجلد اول آن در اروپا طبع شده است .

(٤) تاریخ گزیده ص ۸۱۱ .

(٥) (۲ و۱) گنج شایگان ص ۳٤۲ و فوات الوفیات ج ۲ ص ۱۲۹ .

الدین قمی صاحب فهرس بوده است سید غیاث‌الدین ــ عبدالکریم بن طاوس صاحب فرحة‌الغری و قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی صاحب درة‌التاج و جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهر علامه حلی از مشاهیر شاگردان خواجه بوده‌اند علامه حلی در موقع اجازه دادن ابن زهره این کیفیت را تصدیق نموده است .

وزارت خواجه برای هولاکو

(۱) ناصرالدین محتشم امیر قهستان از فضلای امراء اسماعیلی بوده و پس از اطلاع بر کمالات خواجه ویرا در قائین از توابع قهستان احضار نموده کتاب طهارت در علم اخلاق از تالیفات خواجه بنام ناصرالدین و در قصبه قائین تالیف شده است پس از اندکی خواجه قصیده عربی درمدح مستعصم عباسی انشاد نمود با مکتوبی نزد ابن علقمی وزیر خلیفه فرستاد که بحضور خلافت تقدیم نماید ابن علقمی (۲) عین مکتوب و قصیده را نزد ناصرالدین فرستاده درباره خواجه سعایت کرد ناصر خواجه را محبوس نمودهمینکه بسمت‌قزوین حرکت کرد علاءالدین محمد سلطان اسماعیلیه را به نگاهداری وی گماشت خواجه در قلاع اسماعیلیه تاسنه۶۵۳ بتالیف وتصنیف اشتغال داشت در همان ایام هولاکو خان بطلب قاضی شمس‌الدین احمد بمحاصره قلاع اسماعیلیه پرداخت نصیرالدین خور شاه قائد اسماعیلیه خواجه نصیر را از محبس بیرون آورده نزد هولاکو فرستاد خواجه بحضور هولاکو آمده و این دو بیت را بخواند .

سال عرب چو ششصد و پنجاه و چارشد
یکشنبه روز اول ذیقعده بامداد
خور شاه پادشاه سماعیلیان ز تخت
بر خاست پیش تخت هلاکو بایستاد

هولاکو که از فضایل خواجه سابقه داشت ویرا با خود به بغداد برد اهالی شیعه نجف و کربلا و حله و نیل از برکت قدوم خواجه (۳) از تعرضات مغول محفوظ ماندند خواجه شخصا بحله اسدیه رفته محقق اول نجم‌الدین و شیخ سدیدالدین یوسف والد علامه حلی و سعیدالدین محمد بن جهم وبسیاری دیگر ازعلماء را ملاقات نموده ــ شرح‌مناظرات و مباحثات خواجه با علمای مزبور در کتب تواریخ مشهور است (۲)

(٤) **بنای زیج مراغه** بوسیله خواجه چندی از فتح بغداد نگذشت که هولاکو خواجه رابساختن رصدخانه بزرگی مامور نمود سابقا نیز خواجه نصیرالدین هولاکو را بساختن رصدخانه تشویق نموده و کتاب زیج ایلخانی را برای وی تالیف کرده بود هولاکوکلیه موقوفات را بخواجه واگذار کرد تا عشر آنها را بمصرف بنای رصدخانه برساند و از هر جهت در پیشرفت مقصود مساعدت کرد خواجه بامر هولاکو خان مشاهیر علمای علم هیئت را مانند قطب‌ــ الدین محمود شیرازی که از شاگردان خواجه بود و مویدالدین عرضی دمشقی و فخرالدین اخلاطی ونجم‌الدین قزوینی و محی‌الدین مغربی و فخرالدین مراغه و غیره را بمراغه احضار کرد تا آنکه در سال ۶۵۷ رصدخانه مراغه را باتمام رسانید و کتابخانه بسیار عالی در اطراف رصدخانه تاسیس کرد و مقدار زیادی از کتب نفیسه قدیم و جدید در آنجا جمع آوری نمود که قسمت مهم آن از کتاب

(۱) گنج شایگان ۳ـ۳ .

(۲) ابن طقطقی ص۲٤۶ درآداب سلطانیه مینویسد سبب عمده پیشرفت ابن علقمی خدمت هولاکو خواجه نصیرالدین طوسی بوده است بصفحه ٤۰ از این مجلد رجوع شود .

(۲) بکتاب لؤلؤة‌البحرین و مجالس ــ المومنین و ج ۳ مستدرك اسایل مراجعه شود.

(٤) کشکول میبدی ص ۱۸۲ و مقدمه زیج ایلخانی خطی و تاریخ گزیده ص ۵۸۱ .

های (۱) بغداد و شام و جزیره بوده که در فتنه تاتار غارت شده است و عده آن بالغ بر چهارصد هزار مجلد میگردید جرجی‌زیدان مینویسد (۲) زیج حاکم بامرالله فاطمی (۳۸۶ ــ ٤۱۱) که بر کوه المقطم بنا نموده محل اعتماد ستاره شناسان بوده تا اینکه نصیرالدین طوسی زیج خود را در مراغه ترکستان بنا نمود سنه ٦۵۷ زیج سابق متروك شد خواجه در سال ٦۷۲ با عده از شاگردان ازمراغه به بغداد عزیمت نموده و همانجا وفات نمود ٦۷۲ .

بازماندگان خواجه

خواجه نصیرالدین (۳) سه پسر داشت صدرالدین علی اصیل‌الدین حسن فخرالدین احمد بعد از وفات خواجه صدرالدین جانشین پدرشد و پس از مرك وی اصیل‌الدین قایم مقام پدر و برادر شد و با غازان خان بشام مسافرت نموده ووزارت اوقاف بوی محول گردید سپس با غازان خان به بغداد مراجعت نموده از طرف وی نایب‌السلطنه بغداد گردید ولی کار های نامناسبی از او سر زده که غازان خان ویرا معزول کرد اموالش را مصادره نمود راجع به فخرالدین نیز از ظلم و تعدی وی شکایت نموده‌اند غازان اورا مقتول نمود (٤) در گنج دانش مذکور است (۵) که عده از بازماندگان خواجه مقیم اردوباد و آذربایجان در دوره صفوی بمناصب عالیه نائل شده‌اند من‌جمله حاتم بیك اردوبادی از احفاد خواجه در دوره شاه عباس کبیر به لقب اعتمادالدوله ملقب شد که در آن موقع لقب مزبور مرادف لقب صدراعظم بوده است اسکندر بیك مسافرت اعتمادالدوله را باردوباد برای بازدید خویشاوندان و سایر اخبار وی در کتاب (٦) عالم آراء مفصلا شرح داده است و خود اسکندر بیك نیز در سفر مزبور مصاحب اعتمادالدوله بوده است .

آثار خواجه

از خواجه کتب (۷) و تالیفات نفیسی و شروخ و حواشی مفصلی بر آنها نوشته‌اند اینك با نهایت دقت شرح آثار معظم له را با با نهایت دقت شرح آثار معظم‌له را با ذکر محل فعلی انها و تفکیك قسمت چاپی و خطی و سایر تفاصیل لازمه آنرا مینگاریم تصور نمیرود تاکنون راجع بتالیفات خواجه این قسم تحقیقات مفصله بعمل آمده باشد .

۱ ــ زیج ایلخانی بزبان فارسی مشتمل بر چهار مقاله ، مقاله اول در تواریخ مقاله دوم در سیر کواکب و مواضع آنها از حیث طول و عرض مقاله سوم در اوقات مطالع مقاله چهارم در بقیه اعمال نجوم خواجه پس از ذکر تاریخ چنگیزخان و اولاد وی در مقاله اول چنین‌مینویسد : هلاکوخان همدان را قهر کرد و بغداد را بگرفت و خلیفه را برداشت تا حدود مصر بگرفت وکسانی که یاغی بودند نیست کرد و هنرمندان را همه نوع بنواخت و بفرمود تا هنرهای خود را گشاده و رسمهای نیکو نهادند و این‌بنده نصیر که از طوسم و بولایت همدان افتاده بودم از آنجا بیرون آورد و رصد ستارگان فرمود و حکماء را که فن رصد میدانستند چون مویدالدین ــ العرضی که بدمشق بود وفخرالدین مراغی

(۱) آداب‌اللغة العربیه ۲۳٤ ج ۲ .

(۲) آداب‌اللغة ، ۲۳۰ ج ۲

(۳) و (٤) گنج دانش ۳٤۵ و ریاض‌ــ العلماء افندی خطی .

(۵) ازین جمله ص ۵٤٤ ــ ۵٤۸ و۵۵۹ و ۵٦٦ و ۵۸۵ .

(۷) مولفات خواجه که در اینجا ذکر میکنیم عینا در کتابخانه های مختلف خاصه کتابخانه مرحوم سید حسن صدرالدین در کاظمین ملاحظه کردیم یا اینکه توسط فهارس کتابخانه دنیا نقل نموده‌ایم .

که بموصل بود و فخرالدین اخلاطی که به تفلیس بود و نجم‌الدین دبیران که بقزوین بود از آن ولایت ها بطلبید و زمین مراغه را رصد اختیار کردند و بفرمود تا کتابها از بغداد و شام و موصل بیاوردند .

از کتاب مزبــور چنین معلوم میشود که در سال ٦٥٧ شروع بساختن رصد خانه مراغه شده است باری یك نسخه از کتاب زیج ایلخانی فعلا در کتابخانه رودس موجود میباشد و شرحی بر وی نگاشته‌اند که بکشف الحقایق موسوم‌است میــرزا غیاث‌الدین جمشید بــن مسعود کاشانی تکمله بنام زیج خاقانی در تکمله زیج ایلخانی نوشته است‌غیاث‌الدین مزبور در کتاب مفتاح‌الحساب چنین‌مینویسد‌که زیج خاقانی را . در تکمله زیج ایلخانی نوشته‌ایم ویك سلسله ادله بی‌نظیر هندسی در آن کتاب ذکر نمودیم علی شاه ابــن محمد قاسم معروف بعلاء منجم مختصری از زیج ایلخانی بنام عمده ایلخانیه مشتمل بر دو اصل و چندین باب برای وزیــر محمد بن احمد تبریزی تالیف نموده ودر کتاب کشف‌الظنون ذکر آن کتاب وارد است .

۲ ــ زیج شاهی در کشف‌الظنون مذکور است که نجم‌الدین لبودی زیج شاهی را ملخص نموده زیج زاهی نامید .

۳ ــ سی فصل یك نسخه از آن در کتابخانه وین موجود است در کشف‌ــ الظنون مینویسد که کتاب سی‌فصل بعربی و فارسی تالیف شده است قسمت عربی آن بکلمات ذیل شروع‌میشود اما بعدحمدالله علی نواله مختصر لنصیرالدین محمد بن محمد طوسی .

محمد بن یحیی معروف بــعلاء شیرازی شرح فارسی برآن کتاب نوشته و متن فارسی را نیز تحریر نموده است شرح سی فصل توسط علاءالدین مزبور بتاریخ جمادی‌الاخر ۹۳٦ در شهر حلب باتمام رسیده است .

عبدالواحد بن محمد نیز شرحی بر کتاب مزبور بعربی نگاشته و اول ان بدین کلمات شروع میشود سبحان من زین‌الرفیع باالانجم الزهر و بعضی از شرقین نیز شرح ممزوجی بر آن کتاب نوشته‌اند که از متن متمایز نیست .

٤ ــ رساله بیست باب در معرفت الاسطرلاب مختصر صد باب بطوریکه در کشف‌الظنون مسطور است .

سید امیر نظام‌الدین بن حبیب‌الله شرحی بزبان فارسی در سال ۸۷۳ بررساله بیست باب نوشته است شرح و متن هر دو فارسی است .

حسین بن خــواجه شرف‌الدیــن معروف بالهی نیز بر حاشیه مزبور بر ساله بیست باب شرحی نوشته است .

٥ ش شرح ثمــره بطلمیوس یــا ترجمه ثمره بزبان فارسی در علم نجوم آغاز کتاب الحمدلله حمدالشاکرین‌نسخه از آن کتاب درکتابخانه غرناطه اسپانیول موجود است و عبارات ذیل بعد از مقدمه کتاب شروع میشود .

و بعد یقول مــولنا محمد بــن الحسن‌الطوسی ان بحکم اشارةالصاحب المولی المعظم الصاحب الاعظم دستور العرب و العجم محمد بن محمد الجوینی نشرح کتاب ثمرة بطلمیوس و مطلــع کتاب الثمرة فی‌الاحکام وهی تمام‌الکتب الاربعة التی الفها فی‌الاحکام لسیورس تلمیذه قال قدمنا یاسورس کتبا احدها اربع مقالات فیمایوثره الکواکب فی عالم الترکیب کثیرالمنفعة فی مقدمةالمعرفة و هذا کتاب ثمرة ما اشتملت علیه تلك الکتب و ما علی التجربة منها ولیس یصل الی معرفته من لم یمعن‌النظر فیما قدمنا قبله و فی‌العلوم الاخر من‌العلوم الریاضیه فکن به سعیدا الخ و در آخر کتاب چنین نگاشته شده‌است فهذا تمام الکلمات‌لکتاب الثمرة و تفسیرها وقدتم بحمدالله وحسن توفیقه .

٦ ــ کتاب صد باب در معرفت اسطرلاب آغاز کتاب ... حمد بیحد و

ثنای ببعد قادری را که ببدایع حکمت... خواجه علیه‌الرحمه کتاب مزبور را برای حاجی امیر محمد نوشته است و مختصر آن بیست باب میباشد .

۷ ـ کتاب تجریدالعقاید که در فن خویش بی‌نظیر و مشتمل بر شش‌مقصد است :

ا ـ در امور عامه
ب ـ در جواهر و اعراض
ج ـ در اثبات صانع و صفات او
د ـ در نبوت
ه ـ در امامت
و ـ در معاد

این کتاب مستقلا در ایران طبع شده است .

شروح مفصله ذیل بر کتاب تجرید نوشته شده است

ا ـ تحفه‌شاهی تالیف زین‌العابدین علی بدخشی
ب ـ شوارق الالهام عبدالرزاق بن علی بن حسین لاهیجی
ج ـ شرح فارسی تالیف میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی
د ـ براهین قاطعه تالیف محمد جعفر استرآبادی
ه ـ شرح‌فصل مقصد اول تجرید در امور عامه تالیف لاهیجی مذکور
و ـ شرح تجرید تالیف علامه حلی اولین شرحی است که بر تجرید نوشته شده و کرارا بطبع رسیده است
ز ـ شرح ابوالقاسم اصفهانی بر تجرید که دومین شرح کتاب مذکور است
ح ـ شرح تجرید تالیف قوشجی مکرر در ایران طبع شده است

تعلیقاتی که بر تجرید الکلام نوشته شده است

۱ ـ تعلیقه محقق شرف‌الدین ابوالحسن علی بن عبدالعالی الکرکی
۲ ـ تعلیقه صدرالدین شیرازی
۳ ـ تعلیقه سید رکن‌الدین ابی محمد حسن بن محمد بن شرفشاه علوی شاگرد خواجه طوسی
۴ ـ تعلیقه‌محمد جعفر استرابادی که در سنه ۱۲٦۳ وفات نموده است‌مولف مزبور کتابی بنام البراهین القاطعه تالیف نموده که تعلیقه مزبوره اصل آن کتاب میباشد .

۸ ـ تجرید المنطق : علامه حلی شرحی براین کتاب نوشته متن و شرح در ایران طبع شده است مولی محمود بن محمد بن محمود تبریزی بتاریخ ۹۱۲ در قزوین شرحی بر کتاب تجریدالمنطق نوشته است .

۹ ـ اساس الاقتباس در علم منطق بزبان فارسی آغاز ان خداوندا متعلمان حکمت را بالهام حق و تلقین صدق ...

نسخه این کتاب در کتابخانه حیدریه در اسلامبول موجود است وذیل کتاب ادب‌الندیم بطبع رسیده است‌کتاب مزبور مشتمل بر یك مقدمه در تقسیم علم و نه مقاله است .

۱۰ ـ آغازوانجام راجع باحوال قیامت و بهشت و جهنم ابتدای آن ربنا لاتزغ قلوبنا بعداذهدیتنا ... خواجه‌کتاب مزبور را برای پاره از دوستان خویش تالیف نموده و در طهران بطبع رسیده است .

۱۱ ـ تحریرالمغطیات در علم هندسه مغطیات اقلیدس را در آن کتاب نگاشته است ابتدای آن السطوح للخطوط المعلومةالقدر هی التی یمکن ان تجد مساویة لها

۱۲ ـ تحریر المتوسطات یعنی کتابی که دارای تعلیمات متوسطه بین اصول اقلیدس وکتااب مجسطی بطلمیوس است کتاب انا لاوس در اشکال کروی ضمن کتاب تحریر متوسطات مرقوم شده است بهر حال کتاب مزبور مطابق پاره نسخهای موجوده مشتمل بر سه مقاله است که مقاله اول دارای سی شکل است

و ثانی ۱۸ شکل و مقاله سوم مشتمل بر دوازده شکل است .

ابتدای کتاب اقول بعد الحمدلله و الثناء علیه بما یلیق والصلوة علی محمد و آله انی کنت اریدان احررالکتب الموسومة بالمتوسطات .

۱۳ تحریر مجسطی در هیئت مبرهنه تحریر مجسطی از تالیفات بطلمیوس قلذری نسبت بشهر قلذ از بلاد یونان کتاب مزبور مشتمل بر ده مقاله و ۱٤۱ فصل میباشد و از اوضاع آسمان و کرویت آن و استداره حرکات افلاك و کرویت زمین و حرکت ماه و آفتاب و غیر ذلك در آن کتاب مذاکره شده دارای ۹٦ شکل است مطابق نسخه که اسحق بن حنین ترجمه نموده و ثابت بن قره اصلاح کرده است آغاز کتاب الحمد لله مبدء کل مبدء و غایة کل غایة و مفیض کل خیر و ولی کل هدایة : چند نسخه از تحریر مجسطی موجود است که در عراق عرب دیده شده و نسخه اصل آن در کتابخانه شیخ عبدالحسین تهرانی که در کربلا بوده باقی است و نسخه دیگری از آن کتاب را این جانب در خراسان ملاحظه نموده که با تعالیق خواجه تزیین یافته و در سنه ۱۰۵۱ توسط محمد صادق بن عبدالعلی ترشیزی از نسخه اصل کتاب استنساخ شده بود .

۱٤ ـ تذکره در علم هیئت مشتمل بر چهار باب ابتدای آن الحمدلله مفیض الخیر و ملهم الصواب وصلوته علی محمد المبعوث بفصل الخطاب نسخه از کتاب مزبور در نجف موجود است .

شروح ذیل بر کتاب تذکره نوشته شده

ا ـ شرح تذکره تالیف شیخ عبدالعلی بن محمد بیرجندی که در سال ۹۲٤ وفات نموده است یك نسخه از آن کتاب در کتابخانه راغب پاشا و نسخه دیگر در کتابخانه سلطان محمد فاتح در اسلامبول موجود است .

ب ـ توضیح التذکره تالیف نظام الدین حسن بن محمد بن حسین قمی نیشابوری مولف شرح نظام معروف

ج ـ تکمله شیخ شمس الدین محمد بن احمد خفری با حاشیه میر ابوطالب سبط میرفندرسکی

د ـ حاشیه تذکره تالیف شیخ عبدالوهاب مشهدی ازعلمای قرن سیزدهم هجری

۱۵ ـ تلخیص المحصل او نقد المحصل ـ در علم کلام است بطوریکه در دیباچه ذکر شده کتاب مزبور را بعنوان هدیه برای بهاءالدین محمد جوینی تالیف نموده است تلخیص المحصل در مصر بطبع رسیده است

۱٦ زبدة الادراك فی هیئة الافلاك مشتمل بر یك قاعده و دو مقاله آغاز آن الحمدلله فاطر السموات فوق الارضین .. در کشف الظنون مذکور است که خواجه نصیرالدین خلاصه محتویات کتب هیئت را در زبدة الادراك جمع نموده است.

۱۷ ـ زبدة الهیئة با سایر رسایل خواجه در ایران طبع شده است

شیخ علی بن محمد کاشانی کتاب زبده را تعریب نموده و شیخ کمال الدین عبدالرحمن بن محمد عتایقی حلی شرحی بر معرب آن موسوم بشهده مرقوم نموده است نسخه از کتاب زبده بخط قباد بن بهمن یار بتاریخ ٦ جمادی الاخر سنه ٦۷۷ د رسامراء ملاحظه شد

۱۸ ـ کتاب فصول در علم کلام قسمتی از آن در کاظمین نزد سید حسن صدر بوده کتاب مزبور بزبان عربی ترجمه شده و شروح مرقومه بر آن کتاب عبارتند از

ا ـ شرح فصول تالیف مولی کمال الدین حسن بن محمد استرآبادی نجفی صاحب آیات الاحکام

ب ـ جامع الاصول تالیف شیخ نجم الدین خضر بن شمس الدین محمد بن صفی حیلودی معاصر اوائل صفویه بوده

ج ـ شرح فصول تالیف شیخ

سلیمان بن احمد آل عبدالجبار بحرانی که در سنه ۱۲۲٦ وفات نموده

د ــ شرح فصول تالیف امیر سید عبدالوهاب متکلم بن طاهر بن علی بن داود حسین استرابادی

ه ــ منتهی السئول تالیف مولی علی بن یوسف نسخه از آن در نجف موجود است (بطوریکه در کشف الحجب مذکور میباشد)

و ــ شرح فصول تالیف فخر ــ المحققین بن علامه حلی

ز ــ انوار الجلالیة تالیف ابی عبدالله مقداد سیوری حلی شاگرد شهید اول

۱۹ ــ قواعد العقاید در طهران طبع شده است شروح قواعدالعقاید بقرار ذیل است

ا ــ شرح رازی متن و شرح در کتابخانه برلین موجود است .

ب ــ کشف الفوائد علامه حلی نسخه از شرح ومتن درکتابخانه ایاصوفیا موجود است و در سال ۱۳۰۵ بطبع رسیده است

ج ــ شرح القواعد تالیف سید رکن الدین ابی محمد حسن بن شرفشاه که در سال ۷۱۵ یا ۷۱۷ وفات نموده است افندی در ریاض العلماء مینویسد که نسخه ازشرح مزبور نزد وی موجود است سپس از ابن رافع در ذیل تاریخ بغداد نقل میکند که فرزند علامه طوسی شرحی بر قواعد پدر نوشته وشرح سید رکن الدین از کتاب کشف القواعد علامه حلی مفصل تر است سید رکن الدین شرح مزبور را درایام حیوة خواجه بامر فرزند خواجه نوشته و نسخه از شرح مزبور نزد سید حسن صدر در کاظمین موجود میباشد .

در کتابخانه سرای همایون اسلامبول یك نسخه از قواعد با شرح آن موجود است

۲۰ ــ جواهر الفرایض که بین فقهاء مشهور است و شروح کتاب مذکور عبارتند از

ا ــ شرح جواهر تالیف مولی ابوالحسن بن احمد شریف

ب ــ شرح جواهر تالیف شیخ بهائی

تعالیق بر جواهرالفرائض

ا ــ تعلیق شیخ عبدالصمد برادر شیخ بهائی

ب ــ تعلیق شیخ حسین بن شیخ عبدالصمد برادرزاده شیخ بهائی

ج ــ تعلیق عبدالله بن خلیل مولف رساله مواریث که در سال ۱۰۰٦ تالیف شده است

۲۱ ــ اقسام الحکمه که نسخه آن در برلین است .

۲۲ ــ شرح حل مشکلات الاشارات در طهران طبع شده است

تعالیق بر کتاب حل مشکلات الاشارات

ا ــ تعلیق عبدالرزاق لاهیجی

ب ــ تعلیق سید ظهیرالدین میرزا ابراهیم بن قوام الدین حسین بن عطاءالله حسین همدانی که در سال ۱۰٦٦ وفات نموده است

ج ــ تعلیق محمد باقر بن محمد مومن سبزواری

د ــ تعلیق آقا حسین خونساری که در سنه ۱۰۹۹ وفات کرده است . برای خلیفه سلطان وزیر شاه عباس

ه ــ تعلیق سلطان العلماء معروف

و ــ تعلیق غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی

ز ــ تعلیق قاضی محمد سعید قمی ملقب به حکیم کوچك

ح ــ تعلیق امیر رفیع الدین محمد بن حیدر الحسینی استاد مجلسی

ط ــ تعلیق میرزا عبدالله افندی صاحب ریاض العلماء

ی ــ تعلیق سید معزالدین بن فخرالدین مشهدی

ك ــ تعلیق سید اسماعیل خاتون آبادی برالهیات شرح اشارات

ل ـ میرزا محمد بن حسن شیروانی

٢٣ ـ شرح رساله تنجیم نسخه از آن در پاریس است

٢٤ ـ رساله سی فصل در هیئت و نجوم یك نسخه از آن در وینه است (این رساله غیرازرساله سی فصل سابق‌الذکر میباشد) که در طهران طبع شده است

کتب ذیل از تالیفات خواجه درکتابخانه راغب پاشا در اسلامبول موجود میباشد

٢٥ ـ رساله در بقاء نفس انسانی یك نسخه از آن نیز نزد دوست دانشمند محترم میرزا ابوعبدالله زنجانی موجود و تعلیقی بر وی نگاشته است

٢٦ ـ اسئله رکن‌الدین از خواجه و جواب آن سئوالات

٢٧ ـ جواب و سئوالات متفرقه

٢٨ ـ رساله در فائده ضرورت مرك

٢٩ ـ رساله در بیان صدور کثرت از مبدء واحد وفصلیست در اقسام حکمت بطور اختصار

٣٠ ـ فوائد ثمانیه در حکمت

٣١ ـ اسئله صدرالدین قونوی‌در جواب آن کتاب که بنام مفاوضات‌موسوم است

٣٢ ـ مکتوب خواجه به اثیر ـ الدین ابهری

٣٣ ـ کلام در نفوس و قوای‌آن

٣٤ ـ سئوالات وارده از روم و جواب آن

٣٥ ـ رساله در امامت

(بر طبق مندرجات فهرست کتابخانه خدیوی مصر کتب مزبوره از تالیفات خواجه و در آن کتابخانه‌موجود میباشد)

٣٦ ـ تحریر کتاب الکرة ـ المتحرکه که اصل آن از اوطویوقس بوده و ثابت بن قره ویرا اصلاح نموده است مشتمل بر یك مقاله و دوازده شکل و نسخه آن در کتابخانه خدیوی بتاریخ سنه ١١٤٦

٣٧ ـ تحریر کتاب‌المساکن که اصل آن از ثاذوسیوس بوده و قسطا بن لوقای بعلبکی ویرا ترجمه نموده است مشتمل بر دوازده شکل

٣٨ ـ تحریر کتاب‌مناظر اقلیدس و ترجمه اسحق بن حنین طبیب مشتمل بر ٩٥ شکل یا ٦٤ ثابت بن قره کتاب مزبور را اصلاح نموده است تاریخ نسخه ٦ رجب سال ١١٤٦

٣٩ ـ یکصد وپنج مسئله ازاصول اقلیدس تحریر خواجه طوسی بتاریخ ٢٩ ذیحجه ١١٤٧

٤٠ ـ تحریر کتاب طلوع و غروب که اصل آن از اوطویوقس بوده کندی ویرا اصلاح نموده و قسطا بن لوقا ترجمه کرده است مشتمل بر دو مقاله و ٣٦ شکل تاریخ نسخه ١١٤٦

٤١ ـ تحریر کتاب ماخوذات تالیف ارشیمدس و ترجمه ثابت بن قره مشتمل بر یك مقاله و پانزده شکل ابوالحسن علی بن اپمد نسوی کتاب مزبور را ترجمه نموده است تاریخ‌کتابت نسخه ١٩ جمادی‌الثانیه سال ١١٤٦

٤٢ ـ تحریر کتاب ظاهرات‌الفلك ترجمه ثابت بن قره مشتمل بر ٢٣ یا ٢٥ شکل که فقط دو شکل آن موجود است

٤٣ ـ تحریر کتاب جرمی‌النیرین و بعدیها تالیف ارسطو خس مشتمل بر ١٧ شکل

٤٤ ـ تحریر کتاب مفروضات مشتمل بر ٣٤ یا ٣٦ شکل ترجمه ثابت‌بن قره بتاریخ ٢٠ ج ٢ سال ١١٤٦

کتب ذیل نیز از مولفات خواجه است

٤٥ ـ کتاب اثبات جوهر فارق موسوم بعقل یا عقل کل از کتب بسیار نفیسه و نسخه آن در برلین است آغاز آن انالانشك فی‌کون الاحکام النفیسة التی قد حکمت اذهاننا

مولی جلال دوانی شرحی بر کتاب مزبور نوشته است

دائرة معارف الشيعة الامامية الاثنى عشريه

و

ايران

راجع بعقايد و افكار و ادوار سياسى وادبى و تاريخ بلاد و ممالك و آثار ادبى ومادى وشرح حال مردمان نامى علمى وسياسى وكتابهاى خطى و چاپى از آغاز تشكيل اين فرله تاعصر حاضر با بهترين طرزو روش مطابق اصول علمى تأليفات امروز گفتگومينمايدكه درحدود چهل سال متوالى ازكتابخانهاى عراق و ايران و هندوستان وغيرها باهزاران كنجاوى گردآورى شده است

دوجزء از شانزده جزءكه تمام كتاب است اخيراً منتشر شده است

جزء اول از حروف ألف باألف ومبحث (حروف تهجى وألفباى پارسى) تا پايان حرف الف با ث وكلمه (اثنى عشريه) ـ

جزء دوم از حرف ألف با جيم وكلمه (اجابةالسؤال) تا پايان حرف الف با عين وكلمه (أعين) ـ

تأليف

عبدالعزيز صاحب الجواهر

جزء نهم ـ بخش دوم

فوق با همين روش از دانشگاه تهران ورياست دانشگاهى اولى
دكتر اقبال بابت چاپ اين دائـرةالمعارف درپايان مجلد اول
(جواهرالاثار) وصفحه ٨٤٤ منتشر شده ولى ـ

مد هنر پوشيده شد صد حجاب از دل بسوى ديده شد

جواهر کلام ضمن مصاحبه‌ای بخبرنگار تهران‌مصور گفت :

در انتشار بزرگترین سند اسلامی و تاریخی و دینی شیعه کارشکنی میشود

دهخدای عصر حاضر

پس از انتشار هشت جزء دائره‌المعارف تا حرف دال و امتناع از چاپ اجزاء هشتگانه دیگر بحضور مخبران و رسام روزنامه تهران مصور بخانه اینجانب در خیابان گمرگ آمدند و پرسش و پاسخ از سرنوشت و تالیفات نگارنده و علت توقف چاپ و چگونگی ترجمه و غیره دایر گردید که تمام با چند رسم در دو صفحه و نیم صفحه دیگر از این شماره ۱۱۲۹ منتشر شده.

چاپ نشدن بقیه مجلدات این دائرة المعارف بزیان معنوی ملت ایران است

مغرضین حتی مانع شدند که وزارت فرهنگ برای تصحیح کتابهای من وغلط‌گیری چاپی آنها مصحح تعیین کند. من ناچارم با این چشمانم که که دیگر جائی را نمی‌بیند و بکمك یك ذره‌بین ۲۰ میلی‌متری ورقه‌های چاپی راتصحیح کنم.

استاد را فوق‌العاده ناراحت و غمزده و مأیوس دیدم بالاجبار رشته صحبت را تغییر دادم و از یك فرصت کوتاه استفاده کردم و پرسیدم.

شماره ۱۱۲۹

ــ راوندی
ــ رستم اصفهانی
ــ حکیم سوزنی
ــ خواجه حسین شاهی
ــ لسان‌الغیب
ــ خاقان مغفور
ــ فتحعلیشاه قاجار ۱۸ نسخه
ــ خاقانی شیروانی ۷ نسخه
ــ سحاب ۲ نسخه
ــ سلطان حسین
ــ سلمان ساوجی
ــ شهاب اصفهانی
ــ شافی
ــ شمس تبریزی ۲ نسخه
ــ شمس‌الحقایق ۲ نسخه
ــ صباحی ۲ نسخه
ــ ضیاءالدین .
ــ طبیب اصفهانی
ــ ظهوری ۳ نسخه .
ــ ظهیر فارابی ۵ نسخه
ــ عاشق آقا محمد
ــ عبدالصمد بن بابک
ــ شهاب اصفهانی

مختصری از دواوین خطی وچاپی‌فارسی و عربی که بازدید شده :

دیوان ــ آصف قزوینی در کتابخانه عاشر افندی در اصلامبول .
ــ عبدالصمد بابک خطی
ــ ابن‌الحجاج گردآوری بدیع اسطرلابی ــ خطی .
ــ ابن‌الخیاط .
ــ ابن‌الرومی
ــ ابن معصوم در کتابخانه خدیوی مصر .
ــ ابن‌الهباریه بنام الصادح‌والباغم
ــ ابو اسحاق‌شیرازی دراطعمه‌چاپی
ــ ابوالاسود دئلی خطی .
ــ ابو تمام طائی چاپی .
ــ ابوطالب . خطی .
ــ سیداحمداصفهانی فارسی‌چاپی .
ــ سید نظام‌الدین احمدبن‌معصوم خطی .
ــ امیرالموءمنین علی (ع) وتحقیق در نسبت او .
دیوان ــ ثنائی خواجه حسین مشهدی خطی .
ــ حاج جناب ساوجی
ــ سید جواد سیاه‌پوش
ــ جودی در مراثی ــ چاپی
ــ میرزا جیحون یزدی تاج‌الشعراء
ــ حالتی در کتابخانه عاشر افندی در اسلامبول .
ــ میرزا حبیب‌الله رشتی بن‌هاشم .
ــ حر عاملی موءلف‌الرسائل‌خطی .
ــ حزین علی بن ابیطالب
ــ حسان بن ثابت
ــ حکاک‌درکتابخانه‌لعلی‌دراسلامبول
ــ خلیل بن احمد لغوی موءلف‌کتاب العین .
ــ راجی فارسی چاپی
دیوان ــ التهامی در کتابخانه خدیوی.
ــ رفیع آمدی در کتابخانه حالت افندی در اسلامبول .
ــ سید حمیری .

ـ شباب محمد حسن قندهاری بغدادی
ـ شاه شجاع فارسی چاپی
ـ شوکت فارسی در کتابخانه حالت افندی در اسلامبول.
ـ شهاب الدین حسینی بن معنوی حویزی.
ـ شیخ شعبان یمانی خطی.
ـ صائب فارسی چاپ هندوستان.
ـ صالح بن علی بن قاسم محی الدین نجفی.
ـ صردر علی بن حسن عاملی حلی.
ـ طائر حسن خان کرمانشاهی.
ـ طراز یزدی.
ـ طوبی محمد علی شهرستانی چاپی.
ـ فرخ یزدی ـ چاپی
ـ فرزدق ـ چاپی.
ـ قدسی ـ خطی.
ـ گیلانی فارسی ـ چاپی.
ـ گاهی در کتابخانه عاشر افندی در اسلامبول.
ـ میرزا کبیر مراغی ـ چاپی
ـ لعلی ایروانی ترکی و فارسی چاپی.
ـ محتشم کاشانی چاپی.
ـ ملامحسن فیض ـ چاپی.
ـ قاءانی ـ میرزا حبیب الله.
ـ مختارات شعراءالعرب ابن الشجری ابوالسعادات.
ـ مخلص فارسی.
ـ عرفی سید محمد شیرازی.
ـ سید علیخان مدنی شیرازی چاپی.
ـ محمد علی بن کمونه جائری جد خاندان کمونه در نجف.
ـ عنصری فارسی ـ چاپی.
ـ نورعلیشاه چاپی.
ـ هلالی جغتائی.
ـ هاشمیه فارسی.
ـ یغما فارسی.

(تتمه دواوین)

(۱) دیوان علی (ع) ـ نخستین شخصی که آن را گردآوری نموده ابو احمد جلودی عبدالعزیز بن یحیی متوفی ۳۶۱ ـ و نیز سید هبه‌الله بن محمد حسینی ابوالبرکات معروف بابن الشجری و شیخ ابوالحسن الفنجکردی آن را در حدود یک صد بیت و سلوه‌الشیعه نامیده از جمله نامیانی که جمع آوری نمودند.

ابوالحسن بیهقی معروف به قطب الدین کیدری باز دو مرتبه گردآوری کرده اولی در مجموعه‌اش که بالحدیقه‌الانیقه نامیده دومی در مجموعه‌اش انوارالعقول من اشعار وصی الرسول برخی از پیشینیان بیشتر از ابیات فنجکردی بدست آوردند که از کتاب سیر و مغازی محمد بن اسحاق مدنی مطلبی شیعی متوفی ۱۵۱ استخراج نمودند نگارنده در فهرست کتب خطبه کتابخانه سید چاپ ۱۳۱۷ مجملی نیز از گردآوری این دیوان نگاشته.

ترجمه اشعار این دیوان به فارسی از نظم شاعر ایرانی متخلص بشوقی درنسخه خوشخط زرنگاری شده بقلم بدرالدین و تاریخ ۷ ربیع اول سال ۱۰۲۹ که برای سلطان محمد قطبشاه کرمانشاه یافتم ترجمه هر بیتی از دیوان زیر همان بیت نوشته و ترجمه به قصیده دوستانش قطبشاه نامبرده آغازیده اول نسخه.

نامه گشاید به ثنای خدا حمد برای ولی حمد را (۲) دواوین شعر عربی و فارسی در

قرن ۱۳ و ۱۴.

دیوان ـ شیخ حسین نجفی .

دیوان ـ سید شبر علی بن محمدغیاثی بحرانی .

مجموعهٔ از قصائد و مراثی سیدابراهیم قزوینی .

ـ ملاهادی سبزواری .

ـ ابراهیم عاملی .

ـ محمد علیَ کشمیری طبیب .

ـ و شاح والجواهر .

والعقود فی نظم الوزیر داود گردآوری محمد صالح تمیمی کاظمی .

(۳) دیوان سید محمد سعید حبوبی .

نجفی مجاهد ـ این دیوان در عنفوان جوانیم و در حدود شصت سال پیش پس‌از اجازه از ناظمش که بدعوت مرحوم پدرم به خانه آمده و با شوق ورضایت اجازه‌داده‌است چنانکه در آغاز دیوان نوشته شده .

(حرف ذال)

الذاتیه فی تحقیق الذات سید علی همدانی .

الذبیحه فی تحریم ذبیحه اهل‌الکتاب بهائی را بخواهید .

ذخائرالاصول ـ حسن شاه عبدالعظیمی

ذخائرالنین محمد هادی بن‌محمدامین طهرانی .

ذخرالعالمین فی شرح دعـا الصنمین (صنمی قریش) محمد مهدی بن علی اصغر قزوینی .

الذخیره ـ مؤلفش گمنام ولی بعض اخبارش رانقلکرده‌اند (افندی در ریاض‌العلما)

الذخیره الابدیه فی جواب المسائل **الاحمدیه ـ** الجزائری عبدالـلـه بـن نورالدین .

ذخیره‌الالباب و بغیه‌الطلاب الی کـل علم فیه باب ـ میرزا محمد اخباری .

الذخیره‌الباقیه‌فی‌اجوبه‌المسائل‌الجبلیه الثانیه‌الجزائری سید عبدالله .

الذخیره در فرائض (رسالهٔ در مواریث محمد زکی بن فرج بـهبهانی) .

ذخیره‌المعاد در اخلاق ـ ووعظ وارشاد نوروز علی بسطامی واعظ.

ذخیره‌الملوک فارسی ـ سید علی اصغر صوفی .

الذخیره فی‌المحشر ومولدالامام‌المنتظر محمد بن عبدالله خطی الذریعه الی اصول الشریعه المرتضی علم‌الهدی.

ذوالدمعه ـ حسین بن زید بن علی بن الحسین‌المعروف بذوالدمعه برای اشک ریزان بوده برای پدرش و در پایان عمر نابینا شده‌و گاهی او را ذوالعبره یعنی هماره آمادگی گربه کردن داشته ـ پدرش زید و برادرش یحیی را هر دو کشتند ابن زهره‌درغایه‌الاختصاروفاتش در سال ۱۳۵ نوشته و برخی سال ۱۸۵ از ابی عبدالله و ابی‌الحسن (ع) روایت کرده .

کتابی دارد که حمید از ابراهیم بـن سلیمان از او روایت نموده‌استادانش‌اول‌صادق (ع) دوم کاظم (ع) سوم پدرش زید بن علی چهارم عمویش عمرالاشرف‌بن علی‌بن‌الحسین (ع) گروهی هم از او روایت کردند .

از آنـها محمد بن حسین‌ذوالدمعه‌وحسن بن حسین ذوالدمعه و علی بن حسین علوی و علی بن جعفرصادق‌درمقاتل‌الطالبین‌ابوالفرج برخی از سرگذشت او ذکر شده و اینکه وی در

مدینه اقامت داشته و گاهی بکوفه و بصره هم می‌آمد و قرآن را تماما حفظ کرده و در پایان عمر بواسطه بسیاری گریه نابینا شده فرزندانش چنانچه ابونصر بخاری ذکر نموده در پایان (السلسله العلویه) عبدالله والقاسم و یحیی که مادرشان خدیجه دوشیزه عمر اشرف بن علی بن حسین (ع) و علی اصغر و حسین بن حسین بن زید مادرشان ام ولد بوده ــ اطرفی نام نه دختر و هیجده پسر برایش ذکر کرده.

الذریعه الی مکارم الشریعـه ــ راغب اصفهانی.

الذریعه فیما یخص الشیعه محمد صالح بن احمد بحرانی.

ذریعه‌الامل فی احوال المعصومین.

الاربعه عشر ــ عبدالحسین بن جواد البغدادی.

الذریعه الی کتب‌الشیعه ــ مجموع سی مجلد خواهد شد ــ سودمند آنها دو مجلد با شرط تهذیب ذریعه‌الاعتماد علی فهم‌المراد حاشیه بر فرائد انصاری لطف‌الله مازندرانی

ذوالفقار ــ در نقض باب دوازدهم از تحفه اثنی عشریه دهلوی ــ دلدار علی.

ذوالفقار خان عارف بسطامی رساله‌ء در کیمیا اولش سپاکه بی‌قیاس ــ برای محمدحسن زرگر نوشته شده.

دفن میت ــ در نجف ص ۱۴ ج ۱ ماضی النجف و حاضرها دجیلی ج ۲ ماضی‌النجف ص ۲۶۹.

الدلیزی ص ۲۸۳ ج ۲ ماضی النجف.

ذهنی تبریزی علی اصغر دانشمندان آذربایجان.

ذوالفقار سید قوام‌الدین بتفصیل در دانشمندان آذربایجان از دانشمندان نامی در قرن هفتم هجری.

الدرالمسلوک فی احوال‌الاوصیاوالانبیا **والخلفاء والملوک ــ** در آغاز دیباچه گفته ــ و جعلته مبینا علی مقدمه و ثمانیه ارکان و خاتم المقدمه فی ابتداء خلق السمــوات والارضین الخ نسخه از آن در کتابخانه مرحوم شیخ علی کاشف الغطاء در نجف بخط سید حسون براقی بتاریخ سال ۱۳۱۸ و مجلد اول از آن که مجلد دوم بعدش بوده در کتابخانه سید حسن صدرالدین در کاظمیه است.

الدیوانیه و بریطانیا ج ۱ ماضی‌النجف و حاضرها داوری مازندرانی سرگذشت مبسوط دارد در مجله ارمغان ۲۲۱ و ۱۵۵ و ۲۴۱.

دامپروری:

فنی است درتربیت حیوانات درکتابهای جغرافی و کشاورزی گاهی از آن باجمال یادآوری میشود.

دامپروری خصوصی و عمومی دو مجلد تالیف دکتر تقی بهرامی در تهران چاپ شده کتابهای دیگر در فلاحت و دهداری و فرهنگ روستائی نیز دارد.

دانشنامه‌جهان در حکمت طبیعی از غیاث الدین محمد بن علی امیران اصفهانی درهند چاپ شده.

دانشنامه شاهی ــ در کلام محمد امین استرآبادی اخباری متوفی ۱۰۳۶ در مکه خطی است.

دارابی ــ سید جعفر دارابی بن اسحاق موسوی علوی معروف بکشفی از نامیان علمای امامیه.

داستان ــ در فرهنگ‌برهان‌قاطع داستان

دنباله دهخدای

آن هنوز چاپ نشده است. وزارت آموزش و پرورش میگوید من اعتبار لازم جهت چاپ این کتاب را ندارم. شما را بخدا بمن جواب بدهید این باور کردنی است.

در این هنگام استاد با لحن آمیخته باهیجانی گفت:

- من مثنوی مولوی را از روی کاملترین نسخه آنکه درهندوستان چاپ شده و فوق العاده در ایران کمیاب است بشعر عربی ترجمه کرده‌ام من بیست و هشت‌هزار بیت مثنوی مولانا را بنظم عربی درآوردم و این کار آسانی نیست من روی این کتاب قریب ۴۰ سال است کار میکنم. صوفیان مصر و عراق و سوریه بارها بمناسبت کاری که انجام دادم از من تجلیل کردند و مرا بمناسبت فصاحت و سلامت ابیات عربی مثنوی تشویق کردند ولی در ایران ... شاید کمتر کسی از چنین کاری اطلاع یافته باشد.

از یك لحظه سکوت دانشمند ... استفاده کردم و پرسیدم.

- استاد چگونه بفکر ترجمه مثنوی بعربی درآمدید؟

این خود داستان جالبی دارد که بشنیدن آن میارزد.

من در نجف بودم که علاقمند بترجمه مثنوی مولانا بعربی شدم. این است. ابتدا چندبیت شعر از مثنوی ترجمه کردم و دیدم کار واقعا مشکلی است و از عهده‌ام برنمیآید ناچار آنرا کنار گذاشتم.

بعدها هنگامی که بایران آمدم برایم واقعه‌ای رخداد که همین واقعه سرآغاز کاری گردید که امروز من بآن افتخار میکنم:

درست یادم میآید در سال ۱۳۱۴ درمجله‌ای که درآنوقت مدیریت و اداره آن بعهده علی جواهر کلام بود مقاله‌ای درزمینه انتقاد از وضع فرهنگ نوشتم که درنتیجه آن مجله توقیف شد و منهم روانه زندان گردیدم.

درآنزمان سرپاس مختاری رئیس شهربانی بود. من ۲۰ روز درزندان شهربانی توقیف شدم. و علی اصغر حکمت وزیرمعارف وقت مرا بهمین مناسبت ازوزارت معارف بیرون کرد و دستور داد حقوقم را توقیف کنند.

من یك سال بدون حقوق و مواجب در تهران زندگی کردم تا اینکه اطلاع یافتم که باید از تهران خارج شوم تا حقوقم را دوباره بمن پرداخت نمایند ناچار التزام دادم که دیگر بانتقاد و ادامهٔ پیشنهادهای اصلاحی نپردازم و روانه کرمانشاه شدم و **شش سال تمام بدون کار و بامواجب در کرمانشاه ماندم**

بیکاری شروع بترجمه مثنوی نمودم و بحمدالله در اینکار توفیق پیدا کردم.

ابتدا کار ترجمه مثنوی مولانا را بنثر آغاز کردم و سرانجام آنرا بنظم برگرداندم. و درظرف ۲۰ سال موفق شدم ۴۲ دفتر از مثنوی را بنظم عربی برگرداندم.

درسال ۱۳۳۴ در حالیکه هیچ امیدی بکمك وزارت معارف برای چاپ مثنوی نداشتم و اینکار را صرفاً بمنظور ارضاء عطش و اشتیاق خود انجام داده بودم دانشگاه تهران بکمك من شتافت وشروع بچاپ ترجمه عربی منظوم مثنوی نمود و تاکنون ۴ مجلد از ۶ مجلد مثنوی را چاپ و منتشر کرده است، مجلد پنجم هم قرار است بزودی چاپ شود ولی ... هم بمحض آنکه جلد های مثنوی چاپ ایران در کشورهای عربی خصوصاً مصر و سوریه انتشار یافت مغرضین من دست بکار شدند و ابتدا کوشیدند مانع چاپ مثنوی من توسط دانشگاه گردند و در این راه بقدری ناشیانه رفتار کردند و دکتر اقبال رئیس وقت دانشگاه تهران عصبانی شد و دستور انحلال شورائی را که بمخالفت من برخاسته بود داد.

پس از رفتن دکتر اقبال از دانشگاه مغرضین سرانجام موفق شدند نگذارند مجلد ۵ و ۶ مثنوی

بامیر اسدالله خان علم شکایت بردم واو با موافقت رئیس دانشگاه سرانجام طی تصویبنامه شماره ۸۲۴ مورخ ۱۲ر۴ر۱۳۴۲ مقرر کرد مجلدات ۵ و ۶ این مثنوی چاپ شود وماهانه ازاین بابت ۵۰۰ تومان بمن کمك خرج تعلق گیرد.

تعجب است که وزارت معارف ترجمه فارسی قرآن کریم را که تاکنون بارها توسط اشخاص مختلف بفارسی سلیس ترجمه شده دوباره از یکنفر میخرد وچاپ میکند بابت این **کار ۴۵ هزار تومان** پول میدهد ولی برای انتشار کتاب بیسابقه وبدیع من پول ندارد.

مغرضین حتی مانع شدند که وزارت فرهنگ برای تصحیح کتابهای من وغلط گیری چاپی آنها مصحح تعیین کند. من ناچارم با این چشمانم که دیگر جائی را نمی‌بیند و بکمك یك ذره بین ۲۰ میلی‌متری ورقه‌های چاپی راتصحیح کنم.

استاد رافوق العاده ناراحت وغمزده ومأیوس دیدم بالاجبار رشته صحبت را تغییر دادم و از یك فرصت کوتاه استفاده کردم و پرسیدم.

بمنه تعالی

دائرة المعارف الاسلامیه

ایران

و فرقه شیعه امامیه اثنی عشریه

وزارت فرهنگ تا سال ۱۳۴۲ دو هزار صفحه در ۸ جزء از این کتاب [الف - دال] منتشر کرده و اکنون نسخه اش کمیاب است. بقیه مواد آن از [دال - ی] تماماً جمع آوری شده و برای چاپ آماده است.

مؤلف کتاب